

هشدار امام!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. اسلامی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۲۰

شماره مسلسل ۱۴۱۹

نیمه دوم دی ماه ۱۳۹۰

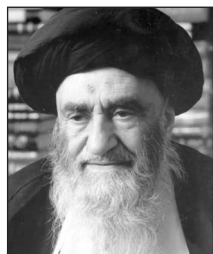
۲۰۰ تومان

حجت الاسلام فاطمی نیا:

حضرت آیت الله

مرعشی، فقیه و

مجتهدی جامع بود



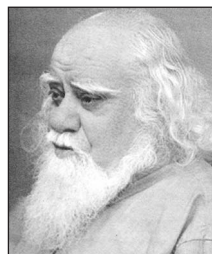
صفحه ۱۱

اختلاس ۳ هزار

میلیاردی از نگاه

استاد محمد رضا

حکیمی



صفحه ۹

رهبر شیعیان بحرین:

خاک بحرین با

خون شهدا رنگین

شده است



صفحه ۴

دکتر حداد عادل:

یک میلیون نسخه

خطی فارسی در

جهان، سند افتخار

فرهنگ ایران است



صفحه ۱۲

گزارشی از دیدارهای علامه

طباطبایی و پروفیسور کربن:

گفتگوی شرق

و غرب



صفحه ۷

مسجد جامعی در گفت و گو با تقریب:

اهمیت کار آیت الله

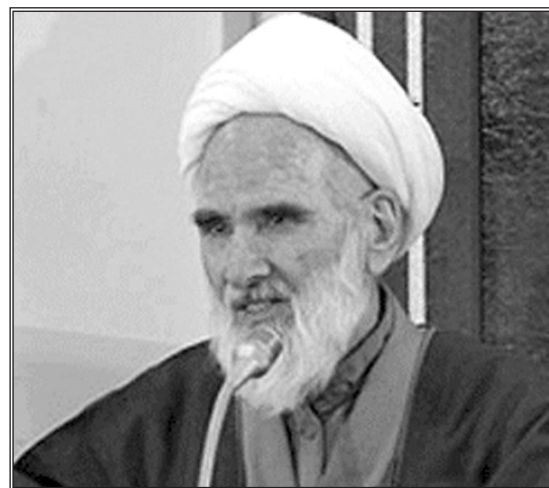
بروجردی طرح مرجعیت

علمی اهل بیت به عنوان

مبنای حرکت تقریب بود



صفحه ۳



یادی از محقق و مصحح کوشا

مرحوم شیخ عبدالله نورانی؛

مسافر نایاب

به قلم استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۶

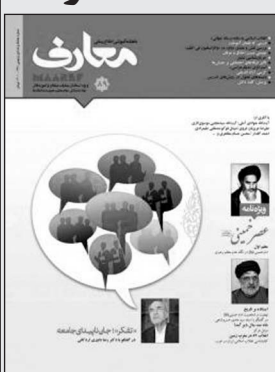
بیانیه مجمع تقریب مذاهب اسلامی در

محکومیت یهودی سازی قدس

صفحه ۳

انتشار چاپ دوم قصه های زندگی پیامبر(ص)

هشتاد و نهمین شماره ماهنامه معارف منتشر شد



هشتاد و نهمین شماره ماهنامه آموزشی و اطلاع رسانی معارف، ویژه استادان معارف، مبلغان و امور

دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

منتشر شد، در این شماره میخوانید:

از شارل دوگل تا مهرآباد

انقلاب اسلامی به مثابه رسانه جهانی*

درسی که لقمان آموخت (آیت الله سید مجتبی

موسوی لاری)

تفکر؛ جان ناپیدای جامعه (گفتگو با دکتر رضا

داوری اردکانی)

بررسی نقش و معنای واژه «وَأَلَّاسِخُونُ فِی الْعِلْمِ»

چیستی نسبت اخلاق و عرفان (آیت الله جوادی آملی)

جریان شناسی تبلیغ در دهه چهل و پنجاه شمسی

معلم اول (امام خمینی(ره) در نگاه مقام معظم رهبری)

ایستاده بر تاریخ (نهضت و شخصیت امام خمینی(ره))

گفتگو با استاد سید هادی خسروشاهی)

شاه صد سال دیر آمد! (میشل فوکو)

انقلاب ۵۷ در مغرب زمین (کتاب شناسی انقلاب اسلامی ایران در غرب)

بایسته های تحول در روش های تدریس

پرسش، کلید دانش در گفتگو با حجت الاسلام قنادی

آثار علمی اساتید معارف - تازه های نشر معارف

تأثیر شبکه های اجتماعی بر جنبش هادر سال ۲۰۱۱ میلادی

استراتژی دیگر هراسی*

کرسی آزاداندیشی و تفاوت آن با کرسی نظریه پردازی

برای تهیه این نشریه می توانید با امور مشترکین به شماره ۰۲۵۱-۲۱۱۰۲۷۰ تماس بگیرید.

نشانی اینترنتی مجله: www.maarefmags.com

همچنین به زبان های گوناگون از جمله انگلیسی، اردو، ترکی و فارسی ترجمه شده است.

انتشار این کتاب در همه جا با استقبال نسل نو روبرو شده و جایزه های ادبی معروفی از

سوی کانون های فکری و پرورشی کودکان دریافت کرده است. این کتاب همچنین در سال

۱۹۹۹ میلادی، جایزه بهترین کتاب کودک و نوجوان را از سازمان فرهنگی مصر در قاهره و

در سال ۲۰۰۰ میلادی، جایزه آف های نوین را در نمایشگاه بین المللی کتاب کودک در بولونی ایتالیا دریافت کرد. از

نکات گفتنی در خصوص ترجمه کتاب حاضر، نخست آنکه استاد خسروشاهی در ترجمه قصه ها یا سیره زندگی

پیامبر(ص) کوشش جدی کرده که از کلمات و عبارات از جملات سهل و آسان استفاده کند تا درک و فهم آن بر همه

نونهالان امکان پذیر باشد.

دوم اینکه مترجم در مواردی برای تکمیل مطالب قصه ها، به کتب و منابع سیره نویسان و مورخان و مفسران

شیعه مراجعه کرده و نکات مورد نیاز را اصلاح کرده و یا به آن افزوده است.

نکته آخر اینکه پدران و مادران ایرانی می توانند به مناسبت های مذهبی و اعیاد اسلامی، کتاب قصه های

زندگی پیامبر(ص) را به فرزندان خود اهدا کنند که خود یک ارمغان ارزنده و فراموش نشدنی خواهد بود و ثمره سازنده

و ارزنده آن را در سراسر زندگی فرزندان شان به یادگار خواهند گذاشت.



نویسنده: عبداللہ یوسف ترجمه: استاد سید هادی خسروشاهی تصویرگر: فریدالدین ملایی ناشر: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) چاپ اول - ۱۳۹۰

صفحه ۶۰/۰۰۰ ریال

کتاب قصه های زندگی پیامبر(ص) شامل

بیست قصه از زندگی پیامبر است که از قول و

زبان حیوانات، نباتات، جمادات و دیگر مظاهر طبیعت بیان می شوند. به گونه ای که گوشه هایی از زندگی و شخصیت

این پیامبر بزرگ خدا را برای کودکان و نوجوانان به تصویر کشیده اند. این کتاب که به همت استاد عبداللہ یوسف،

نویسنده مصری به نگارش درآمده و در قاهره به چاپ رسیده است، علاوه بر کودکان و دانش آموزان مصری،

توجه کودکان و نوجوانان دیگر کشورهای عربی را به خود جلب کرده و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

استاد سید هادی خسروشاهی حدود چهل سال پیش، ۱۲ قصه از مجموعه بیست قصه کتاب حاضر را از عربی به

فارسی ترجمه و در ماهنامه ای ویژه کودکان از قم منتشر کرده بود.

آقای خسروشاهی اخیراً ضمن ترجمه هشت قصه دیگر، به بازنویسی و بازنگری دوازده قصه قبلی پرداخته و

مجموعه بیست قصه را در یک کتاب، منتشر کرده است.

متن عربی این کتاب در سالیان گذشته، بارها در مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی چاپ و تجدید چاپ شده و

موانعی بر سر راه تقریب

به قلم: آیت الله محمد علی تسخیری



صحنه‌های برخورد منطقی را ارایه دادند و پیروانشان را بر آن پروراندند، عوامل بسیاری باعث بازگشت مجدد آن گردید.

برآنم که مهمترین عاملی که باعث بازگشت این پدیده شد، چیزی است که می‌توان آن را الزام دیگری به پیامدهای سخنان وی نامید حال آن که این دیگری، هرگز به چنان پیامد و الزامی، باور ندارد.

به عنوان مثال در گذشته خوارج، علی (علیه السلام) را تکفیر کردند زیرا معتقد بودند لازمه موضع وی نسبت به حکمت (داوری)، کفر او (العیاذبالله) است؛ آنها می‌گویند که آن حضرت وقتی به داوران، سخنان زیر را گفت، به خودش شک کرد: "ببیند اگر معاویه برحق بود او را تثبیت کنید و اگر من اولی به حق بودم، مرا تثبیت کنید." و چون به خودش شک کرده و نمی‌داند که حق با اوست یا با معاویه، ما در مورد وی تردید شدیدتری داریم.

امام (علیه السلام) در پاسخ آنها می‌فرماید: "این سخن هرگز به معنای شک و تردید از سوی من نبود بلکه از باب رعایت انصاف در سخن چنان گفتم؛ خداوند متعال نیز می‌گوید: "... وانا أو ایاکم لعلى ھدی أو فی ضلال مبین" (سوره سبأ ۲۴-)... و بی گمان ما یا شما، بر رهنمود یا در گمراهی آشکاریم." که البته شکی مطرح نبود و خداوند می‌دانست که پیامبرش بر حق است."

پس از دوره ائمه مذاهب، این حالت گسترش بیشتری یافت و مواردی چون اختلاف در خصوص افزودن صفات بر ذات الهی و "حسن و قبح عقلی" را نیز در برگرفت و طرفین متنازع، بر آن بودند که نظرات طرف مقابل او را به کفر رهنمون می‌شود و بدین ترتیب، این پدیده در مسایل فراوانی از جمله: "توسل"، "شفاعت"، "بداء" و حتی در مواردی چون: "استحسان"، "قیاس"، "مُصالح مرسله" و غیره مطرح گردید حال آن که اگر همگان گفتگوی منطقی را پیش می‌گرفتند، دست کم متوجه می‌شدند که طرف دیگر هم دلایلی برای ایمان به این یا آن مسئله دارد و ای بسا به این نتیجه می‌رسیدند که نزاع آنها نه حقیقی، که لفظی است. جهل و تعصب‌ها نیز در این میان، مزید بر علت گردید؛ کسانی وارد پروسه فتوا شدند که اهلیتی برای این کار نداشتند و فتوایی مخالف با حکم خدا صادر کردند و این در حرکت‌های تکفیری عصر مانیز که به نام دفاع از دین و امت، به ریخته شدن خون‌های ناحق بسیاری منجر شده کاملاً مشهود است.

چهارم: تردید در منویات طرف‌های گفتگو
تردید در منویات طرف‌های گفتگو مسلماً فضایی آرام و مطلوب برای گفتگو را فراهم نمی‌سازد و به نوعی گریز یا بهانه‌جویی و وقت‌کشی می‌انجامد و مانع از تحقق نتایج مطلوب می‌گردد. مشابه این وضع را در روند گفتگو میان پیروان ادیان مختلف که خود برخاسته از رسوبات ذهنی هرطرف از طرف مقابل است، می‌بینیم؛ به عنوان مثال، مسیحیان با کینه‌های صلیبی و القانات خاورشناسان و آنچه که "بدعت‌های اسلامی" می‌نامند، همراه با تصورات و نگرانی‌های مربوط به "خیزش اسلامی" و رقابتی که با پروژه‌های سلطه آمیز غرب می‌تواند داشته باشد، پیش می‌آیند و در مقابل، طرف اسلامی نیز با سابقه‌های ذهنی بسیاری در خصوص خدمت چندین سده‌ای مبلغان و تبلیغ مسیحی به استعمار، قدم پیش می‌نهد.

برخی، از نفوذ خود برای برانگیختن توده‌های مردم و حتی برخی وابستگان به اهل علم برای تحریک درگیری‌های فرقه‌ای، سوء استفاده می‌کنند.

یکی از نویسندگان و تاریخ نگاران در توصیف یکی از جنگ‌های فرقه‌ای با تحریک مقامات حاکمه می‌نویسد: "هچ سالی بدون خشونت و درگیری میان آنچه به فرقه‌های سنی

و فرقه‌های شیعه در مناطق عربی اسلامی موسوم است، سپری نمی‌شد؛ ترک‌ها خود در سال ۱۲۴۹هـ.ق عملیات سرکوب فرقه‌ای علیه شیعیان را برعهده گرفتند و بیشتر قربانیان نیز از منطقه "شاکریه" بغداد بودند؛ به دنبال این سرکوب، به زندان مرکزی حمله و یکی از دو پلی که دو سمت کرخ و رصافه را به یکدیگر متصل می‌کرد، به آتش کشیده شد." او در ادامه، از نقش حکومت‌های فرقه‌ای در فتنه‌انگیزی در مصر و در درگیری‌های فرقه‌ای پس از جنبش سیاهپوستان در روستاهای جنوب عراق و ادامه این درگیری‌ها تا مدینه منوره و طبرستان تا رسیدن به شمال آفریقا و... سخن به میان می‌آورد.

علاوه براین، کتاب‌های بسیاری از جمله: مقدمه ابن خلدون و... وجود دارد که از این پدیده سخن به میان آورده‌اند؛ کافی است به نقش درگیری‌های عثمانی - صفوی در ایجاد فتنه‌های طایفه‌ای داخلی و تضعیف امت اسلام اشاره کنیم که ضربه‌های بس سنگینی به شوکت و عظمت امت وارد کرد و آن را در برابر چالش‌ها، کاملاً ناتوان ساخت.

سوم: تکفیر

این پدیده از جمله مهمترین مانع در تقریب مذاهب است و به رغم اینکه اسلام، مرزهای میان کفر و ایمان را کاملاً روشن ساخته و به دقت مشخص کرده، چنین وضع شگفتی به شدت مطرح شده است.

از "عبادة بن الصامت" نقل است که پیامبر خدا(ص) فرمود: "هرکس لاله الاالله وحده لاشریک له و ان محمداً عبده و رسوله و ان عیسی عبدالله و رسوله و کلمته القاها الی مریم و روح منه و الجنة حق و النار حق، گوید خداوند او را براساس کاری که کرده وارد بهشت می‌کند."

و در روایت دیگری: خداوند او را از درب‌های هشت گانه بهشت - هرکدام را که خواهد - وارد بهشتش می‌گرداند و شیخین و "ترمذی" روایت کرده‌اند: هرکس شهادت لاله الاالله و ان محمداً رسول الله" گوید خداوند آتش دوزخ را بر وی حرام می‌گرداند و "سماعة" از امام جعفرصادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود:

"اسلام شهادت لاله الاالله و تصدیق پیامبر خدا است که به همین‌ها، خون‌ها حرمت یافته و بر ازدواج‌ها و ارث‌ها، صورت گرفته است و بر ظاهران نیز جمعیت مردم، حاصل آمده است."

قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) و پیروانش را به برخورد عقلانی و گفتگوی منطقی و پذیرش

چندگونگی اجتهادی - در صورتی که بر پایه‌های

شرعی مشخصی صورت گرفته باشد - پرورش

داده است.

با این حال، این پدیده در پرتو شرایط دشوار و

بسیار پیچیده و آغازین خود چون ظهور و مطرح

شدن مسئله خوارج، شکل گرفت و به رغم اینکه

امت آن وضع دشوار را پشت سر گذارد و در دوره

ائمه مذاهب مختلف اسلامی، به برخورد منطقی

خود بازگشت و ائمه مذاهب، زیباترین

دوره اشغال جهان اسلام و بویژه در دورانی که تقریباً تمامی جهان اسلام را به اشغال خود درآورد و در ربع اول قرن بیستم میلادی آخرین دولت سراسری اسلامی از سر راه برداشت، سیاست سه گانه‌ای با اهداف زیر، در پیش گرفته بود:

۱- ابقای امت بر عقب ماندگی علمی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و...

۲- گستراندن فضای لائیسزم غربی بر روح اسلام در جوامع اسلامی و برانگیختن گرایش‌های ملی گرایانه و نژادپرستانه؛ گو اینکه این پروژه خیلی زود به شکست انجامید و یکی از نویسندگان معاصر را بر آن داشت تا از آن به عنوان "پیروزی سریع الزوال لائیسزم" سخن به میان آورد.

۳- پاره پاره کردن جهان اسلام و تبدیل آن به کشورهای و ملل پراکنده و برانگیختن نعره‌های مذهبی، جغرافیایی، قومی، نژادی و حتی تاریخی به دلیل وحشت از وحدت اسلامی که در آن زمان صحبت آن می‌شد و نیزهراس مستمر از آن، از سوی رهبران و اندیشمندان و نویسندگان غربی و تئوریزه کردن کارزار دائمی با جهان اسلام. بر همین پایه است که خانم شیرین هانتر در پیشگفتار کتابش می‌گوید:

"رمان تألیفی "جان بوشان" - که در سال ۱۹۱۶ م. و هنگام نوشتن رمان به عنوان سرگرد اطلاعاتی در ارتش بریتانیا خدمت می‌کرد - بر فرضیه انجام یک انقلاب اسلامی قرار دارد که می‌توانست در صورت تحقق، مسیر جنگ جهانی اول را به زیان متفقین، تغییر دهد." بوشان" در رمان خود "شنل سبز" (The Green Mantle) می‌نویسد: اسلام یک عقیده جنگی است زیرا هنوز هم شیخ (روحانی اسلامی) وقتی در محراب می‌ایستد در یک دست قرآن و در دست دیگر شمشیر برهنه حمل می‌کند، حال اگر فرض کنیم امیدی به رهایی باشد و جان تازه‌ای به کشاورزان مناطق عقب افتاده بدمد و رؤیای بهشتی آنان را تحریک کند، می‌دانی چه اتفاقی می‌افتد دوست من؟ دروازه‌های بهشت در این بخش از جهان خیلی زود به روی آنها گشوده می‌شود؛ من گزارش‌هایی از علمای هرجا، خرده بازرگانان جنوب روسیه، بازرگانان اسب در افغانستان، تاجران ترکمن و حاجایی که رهسپار مکه هستند و اشراف (اعیان) شمال آفریقا و مغولستانی‌های پوستین پوش و مستمندان هند و تجاران یونانی در خلیج و نیز کنسول‌های محترمی که در نوشته‌هایشان از رمز استفاده می‌کنند، دارم که همگی تأکید دارند شرق در انتظار یک اشاره الهی است."

نزدیک به هفتاد سال بعد، "چارلز کراوتمر" مفسر سیاسی آمریکایی زمانی که اظهار داشت: ایالات متحده آمریکا با دو خطر ژئوپولیتیک احتمالی مواجه است که یکی از آنها از همین منطقه مورد اشاره در رمان "جان بوشان" سرچشمه می‌گیرد و به شکل "جهان اسلام متحدی است که زیر پرچم رادیکالیسمی به سبک ایرانی، درگیر کارزار سرنوشت‌سازی با غرب کافر می‌شود."

نگرانی‌های مشابهی را مطرح ساخت.

اینک نیز ما شاهد نقش دست‌های بیگانه‌ای هستیم که در پی تحریک درگیری‌های فرقه‌ای در پاکستان، عراق، افغانستان، لبنان و دیگر کشورهایی است که در آنها پیروان مذاهب مختلف با یکدیگر همزیستی دارند و ای بسا رسانه‌های گروهی و قلم‌ها و زبان‌های مزدور نیز برای تحقق همین هدف، بکار گرفته شده‌اند.

دوم: منافع شخصی برخی رهبران و حاکمان
این چیزی است که ما در روزهای تاریک گذشته دیده و امروزه نیز شاهدیم که چگونه

کوشش‌های علما و اندیشمندان و مصلحان، به سمت‌گیری کلی در راستای تقریب مذاهب اسلامی با یکدیگر و گرایشی عمومی در جهت چیره ساختن زبان گفتگوی منطقی و برتری آن بر هر زبان دیگری، همسو با سمت‌گیری‌های اصیل اسلامی و هماهنگ با گرایش جهانی به این شیوه در میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان انجامید.

واقعیت آنست که تمامی متون و مفاهیم اسلامی و احکام شرعی، ما را به تکیه بر چنین شیوه‌ای و فراهم آوردن گستره‌ای برای تحقق چنین نتایجی، فرا می‌خوانند.

ما ضمن استقبال از این امر، بر این باوریم که چنین گرایشی را باید در اذهان و جان‌ها تعمیق بخشید زیرا گرایشی علمی و در عین حال اخلاقی - روانی است که به دنبال فراتر بردن انسان مسلمان از دیگرانی که با آنها اختلاف نظرهایی دارد و چشم پوشاندن او از پیامدهای چنین اختلاف‌هایی از جمله رفتارهای دیگر و سرانجام اتخاذ مواضع متحدی در برابر چالش‌ها فرا روی امت و نیز نسبت به مسایل داخلی بمثابة بایسته‌های شخصیت یگانه اوست.

این روند تعمیق، مستلزم انجام هر کاری برای تبدیل گرایش به تقریب و تفاهم و همدلی به ملکه و اخلاق اصیل اجتماعی همگانی است که با وجود آن هر ندای مخالف و حرکت ضد تقریبی، به عنوان حالتی غیرعادی و خروج بر جماعت و کوششی خارج از محدوده و حرکت غیر متعارفی که ناخوشی طابع و بیزاری دل‌ها را در پی دارد، تلقی گردد.

این هدف زمانی تحقق می‌یابد که علما و اندیشمندان در وهله نخست، خود این ایده را کاملاً پذیرفته باشند و در وهله دوم تاریخچه و پیامدهای آن را در روند تاریخی و تمدنی امت، مورد بررسی و مطالعه قرار داده باشند و در وهله سوم توجه توده‌ها را به آن و آثاری که در پی دارد، جلب کنند و از آنجا ایده را تبدیل به حرکتی عملی و روزمره و مستمر نمایند تا ملکه‌ای که از آن سخن گفتیم تحقق یابد و اخلاق اصیل اجتماعی که از آن یاد کردیم، واقعاً همگانی و فراگیر شود.

ای بسا، این مسئله نیازمند اجرای پروژه‌های اجتماعی مشترکی در عرصه‌های پژوهشی، اجتماعی یا... است و در این میان شاید مهمترین دو موردی که باید بر آنها انگشت گذارد عبارتند از:

الف: بررسی انگیزه‌های دینی و اجتماعی و حتی سیاسی به عنوان لازمه‌های حرکت به سمت تقریب در اندیشه و وحدت در عمل.

ب: شناخت موانع و دشواری‌های موجود در برابر آن

مورد نخست به رغم اهمیتی که دارد، فعلاً مورد نظر ما نیست، در این باره می‌توان از شیوه‌های متنوع قرآن کریم در برانگیختن به وحدت از طریق فراخوان مستقیم و تأکید بر برخورد عقلانی و گفتگوی منطقی با دیگران و یادآوری اتحاد دشمنان - به رغم تناقض‌هایی که با هم دارند - در جبهه رویارویی با امت اسلامی و نیز نتایج سازنده وحدت و پیامدهای منفی تفرقه و امثال آن - که در جای خود حدیث مفصلی است - یاری گرفت.

موانع و دشواری‌های تقریب:

شاید بتوان مهمترین آنها را بدین قرار برشمرد:

یکم - عامل خارجی:

کاملاً روشن است که دشمنان همه گونه زمینه و شرایط تفرقه و پراکندگی این امت را فراهم می‌آورند و در برابر تمامی کوشش‌های وحدت آفرین، می‌ایستند؛ دیده‌ایم که استعمار غرب طی

بیانیه مجمع تقریب مذاهب اسلامی در محکومیت یهودی سازی قدس

بیداری قرار گرفته است.

این بیداری ناشی از روح عزت، اسلام خواهی و استکبار ستیزی حضرت امام خمینی (ره) است که اکنون در کالبد همه امت اسلام دمیده و خواب جهانخواران و مستکبران را پریشان ساخته است و بنا به فرمایش مقام معظم رهبری "مظلله العالی" بیداری اسلامی ملت های منطقه، حرکتی در مسیر نبوی است.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ضمن محکومیت یهودی سازی قدس و اعلام بیهوده این شهر به عنوان پایتخت ابدی این رژیم از سوی کینست، از کشورهای اسلامی خواستار این است که با تأسی به ایران اسلامی دولت نامشروع اسرائیل را دشمن جهان اسلام به شمار آورند و آن را از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تا محو کامل این رژیم تحریم کنند و برای تشکیل دولت فلسطین - در کل سرزمین فلسطین - با مرکزیت قدس شریف اهتمام نمایند.

گسترده ای را با هدف تغییر هویت اسلامی مسجدالاقصی به اجرا گذاشته است.

اقدامات رژیم صهیونیستی برای تغییر ترکیب جمعیت و بافت جغرافیایی قدس به نفع یهودیان در حالی در برابر دیدگان جامعه جهانی صورت می گیرد که هدفی به غیر از زودودن چهره اسلامی قدس ندارد.

بدیهی است در چنین شرایطی داشتن عزم و اراده لازم برای آزادی قدس از راهکارهای عملی مقابله با یهودی سازی قدس است که نیاز به وحدت کلمه مسلمانان و ایستادگی در مقابل دشمنان امت اسلامی و حامیان رژیم صهیونیستی از جمله آمریکا دارد.

امروزه، بیداری اسلامی حقیقتی غیرقابل انکار است و مسلمانان با پیروی از مفاهیم متعالی و بهره مندی از آموزه های ارزشمند اسلامی استکبار جهانی را به چالش جدی کشیده اند و دوران کنونی، دوران بیداری اسلامی است و فلسطین در کانون این

آقای مسجدجامعی در گفت وگو با تقریب:

اهمیت کار آیت الله بروجردی طرح مرجعیت علمی اهل بیت به عنوان مبنای حرکت تقریب بود

مقابل برسند.

وی در عین حال، به برخی مخالفت ها و سنگ اندازی ها در مسیر حرکت تقریب مذاهب اسلامی اشاره کرد و در این زمینه اظهار داشت: هیچ کس روی حقانیت دیدگاه و نگاه مرحوم آیت الله بروجردی تردید ندارد، اما آنچه باعث مخالفت برخی می شود، ممکن است ناشی از طرح غیرصحیح موضوع باشد که سوء تفاهم ایجاد می کند.

مسجد جامعی گفت: در کنار همه مخالفت های آگاهانه و مغرضانه، عده ای هستند که صرفا از روی علاقه به اهل بیت علیهم السلام به جریان تقریب انتقاد می کنند. من تأکید دارم که باید این انتقادهای را شنید.

وی در پایان، دیگر وظیفه خبرگزاری تقریب را طرح دیدگاه های انتقادی نسبت به جریان تقریب دانست و گفت: طرح یکسویه دیدگاه های موافق نمی تواند چندان مؤثر باشد بلکه باید صدای منتقدان را هم شنید و نقد آنها را به اطلاع رسانان و بتوانیم به یک زبان مشترک برسیم.

انتشار شماره جدید فروغ وحدت

بیست و پنجمین شماره فصلنامه علمی- پژوهشی "فروغ وحدت"، از سوی دانشگاه مذاهب اسلامی چاپ و منتشر شد.

درجدیدترین شماره فصلنامه علمی- پژوهشی "فروغ وحدت" هشت مقاله با عناوینی همچون آفتهای جهان اسلام و راههای اصلاح و تحول" به قلم دکتر سید احمد زرهانی، "تقریب مذاهب اسلامی به مثابه جنبشی اصلاحی" به قلم بهنام دارابی و "اشتغال زنان از دیدگاه فقیهان اهل سنت" به قلم محمود خوش خبر، به چاپ رسیده است.

"بررسی روابط بینامتنی قرآن در شعر شاعران نوگرای فلسطین و نقش آن در بیداری اسلامی" نگارش علی صیادانی و رسول بازیار، "کیفیت تغلیظ دیه در فقه اسلامی اثرعبدالوهاب سلیمی پور، "شناخت ابعاد شخصیتی سید جمال الدین حسینی؛ الگویی "برای جوانان" نگاشته مرتضی قاسمی حامد، حامد جمالی، "قضای نماز به جای غیر" به قلم ابراهیم عزیزی فخر، "جایگاه حدیث و قیاس نزد ابوحنیفه" نوشته عبدالصمد مرتضوی، از دیگر مقالات چاپ شده در فصلنامه "فروغ وحدت" می باشد.

در انتهای این شماره چکیده ای از مقالات به دوزبان عربی و انگلیسی چاپ شده است. گفتنی است فصلنامه علمی- پژوهشی "فروغ وحدت" به صاحب امتیازی دانشگاه مذاهب اسلامی، به مدیر مسئولی دکتر سیداحمد زرهانی و سردبیری دکتر عباس برومند اعلم، چاپ و منتشر شده است.

حرکت تقریب را مرجعیت علمی اهل بیت می دانستند" درباره علت این مبنادگذاری خاطرنشان کرد: مسلما شیعه و اهل سنت از نظر مسائل فقهی یا نگاه به سیر تحولات تاریخی و جانشینی پیامبر(ص)، با هم تفاوت دارند ولی مرجعیت علمی اهل بیت قولی است که جملگی بر آن اتفاق دارند.

آقای مسجدجامعی، با تأکید بر اینکه اهمیت کار مرحوم آیت الله بروجردی در همین مبنادگذاری حرکت تقریب بود، گفت: مرجعیت علمی اهل بیت می تواند محور گفت وگویی میان مذاهب اسلامی قرار گیرد.

وی با بیان اینکه "حول این مبنادگذاری مرحوم آیت الله بروجردی، بزرگان دیگری کار و تلاش کردند، در این زمینه به مرحوم علامه امینی و دیگر اندیشمندان و علمای بزرگ اشاره کرد که آثار ارزشمندی از آنها بر جای مانده است.

بهار اسلامی بهترین فضا برای روزآمدسازی فعالیت های تقریبی

مسجدجامعی در تحلیل و ارزیابی حرکت کنونی تقریب در جهان اسلام، گفت: مانسبت به آن پایه هایی که مرحوم بروجردی گذاشتند، اقداماتی داشته ایم ولی فکر می کنم باید حوزه این نوع فعالیت ها را روزآمد کنیم.

وی در این زمینه با اشاره به فضایی که بیداری اسلامی برای گسترش فعالیت تقریب ایجاد کرده، گفت: در فضای بیداری اسلامی، خیلی خوب می شود فعالیت های تقریبی را روزآمد و گسترده کرد. می توان در این فضا، با کار روی مرجعیت علمی اهل بیت، وارد شد.

نهج البلاغه را در دوران بیداری اسلامی دوباره به جهان اسلام عرضه کنیم

آقای مسجدجامعی افزود: امروز ضروری است که نهج البلاغه را دوباره و با یک بازخوانی مجدد به جهان اسلام عرضه کنیم.

وی خاطرنشان کرد: فرمان حضرت امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر که یک منشور جهانی است امروز بهتر از دیروز خوانده می شود.

مسجدجامعی بر لزوم شکستن شکل های کلیشه ای و تکراری تأکید کرد و گفت: می توان در جهان امروز بیش از گذشته تأثیرگذار بود به شرط آنکه با زبان روز سخن بگوییم و این از عهده خبرگزاری تقریب برمی آید.

خبرگزاری تقریب، صدای منتقدان تقریب را نیز منعکس کند

وی با تعریف دو نقش اساسی برای خبرگزاری تقریب، گفت: این خبرگزاری می تواند علاوه بر تولید خبر، همه ظرفیت های خبری داخل و خارج را مدیریت کرده و به هم ارتباط دهد.

مسجدجامعی با تأکید بر اینکه نقش دوم را مهمتر می داند، گفت: ظرفیت های داخلی و خبری عرصه خبری در جهان اسلام باید بتوانند به یک گفت وگویی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی طی بیانیه ای اقدامات رژیم صهیونیستی با هدف تغییر هویت اسلامی مسجدالاقصی را محکوم کرد.

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، متن بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بدین شرح است:

بار دیگر اسرائیل برای تحقق اهداف صهیونیستی و نشان دادن چهره نژادپرست خود و مقابله با فشارهایی که علیه این رژیم در نتیجه بیداری اسلامی در منطقه شکل گرفته، ترفند یهودی سازی قدس و اعلام این شهر به عنوان پایتخت ابدی این رژیم از سوی کینسه را به کار گرفته است.

جریان صهیونیست سازی حاکم بر اسرائیل که به هیچ چیز جز تداوم تسلط بر بیت المقدس نمی اندیشد تاکنون با برخورداری از پشتیبانی قدرت های بزرگ و بهره گیری از سکوت مجامع بین المللی، اقدامات

"آقای مسجد جامعی" مبنای حرکت تقریب را مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام" عنوان کرد و گفت: این مبنای میراث گرانقدر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برای جریان تقریب مذاهب اسلامی است. احمد مسجدجامعی" عضو شورای شهر تهران در گفت وگو با خبرنگار تقریب با اشاره به اینکه "تقریب و تلاش در راه ترویج آن ضرورت شرایط امروز و سده اخیر است"، اظهار داشت: اندیشه تقریب، موضوعی است که از گذشته های دور بین علمای شیعه مطرح بوده و به آن اعتقاد داشته اند.

وی در این زمینه به فتوای مرحوم محمدکاظم یزدی در زمینه کمک به قیام مردم لیبی علیه ایتالیا اشاره کرد و گفت: مرحوم آسید محمد کاظم یزدی آن سال هفتوا دادند که مردم مسلمان از قیام مردم لیبی در برابر حملات نیروهای اروپایی دفاع کنند و اصلا گفته بودند که مردم بروند و جهاد کنند.

وی افزود: جای تأمل است که یک عالم شیعی اهل نجف که نگاه های خاصی داشته و با آخوند خراسانی دیدگاه هایش فرق می کرده، فتوا داده که بر همه مسلمانان واجب است که از جهاد مردم لیبی علیه متجاوزان حمایت کنند.

مسجدجامعی با بیان اینکه "این اعتقاد به وحدت اسلامی" بعدها گسترش پیدا کرد، اظهار داشت: خدا رحمت کند مرحوم آیت الله بروجردی را که قدم های بلند این مسیر را ایشان برداشتند.

وی ادامه داد: مرحوم آیت الله بروجردی به جهت جامعیت و تسلط بر فقه اهل سنت در کنار تسلط بر فقه شیعه، مقبولیت عام داشتند و ظرفیت علمی لازم برای قرار گرفتن در این جایگاه را دارا بودند.

مسجدجامعی اضافه کرد: من از یکی از بزرگان حوزه که از مراجع بزرگوار حوزه هستند، شنیدم که وقتی نامه های آیت الله العظمی بروجردی برای مسئولین الازهر می رفت، می ایستادند، نامه را باز می کردند، می خواندند و می بوسیدند. این نشانه جایگاه علمی آیت الله بروجردی است والا ایشان که جایگاه سیاسی و قدرت ویژه ای نداشتند.

وی با اشاره به تلاش های ستودنی و گسترده آیت الله بروجردی در مسیر تقریب، گفت: این تلاش ها باعث شد، الازهر برای اولین بار به طور رسمی، تشیع و مکتب اهل بیت را به عنوان یکی از گروه های اسلامی معرفی و اعلام کند.

مسجدجامعی ادامه داد: حتی زمان جمال عبدالناصر یک دائرهالمعارف فقهی تدوین شد که بعضا نظرات فقه های شیعه هم در آن می آمد.

مرجعیت علمی اهل بیت می تواند مبنای گفت وگویی مذاهب باشد

وی با بیان اینکه آیت الله بروجردی، مبنای

ولی کار جدی و توجه به آموزه های روشنگر اسلامی - که به حسن ظن نسبت به برادر مسلمان فرامی خوانند - مانع از آن می شود که این عامل، نقش خود را در پیشگیری از تقریب، ایفا نماید به ویژه اگر این امر میان علمای عاملی صورت گیرد که در عرصه های مختلف علم و اخلاص و عمل در راه امت، برترین ها بشمار می روند.

پنجم: بزرگ نمایی، مبالغه، یادآوری گذشته، بی حرمتی به مقدسات و بی احترامی به یکدیگر

بزرگ نمایی، مبالغه، یادآوری گذشته، بی حرمتی به مقدسات و بی احترامی به یکدیگر هریک از اینها به تنهایی می تواند مانعی بر سر راه تحقق گفتگوی مطلوب و در نتیجه رسیدن به تقریب باشد؛ متون اسلامی، سرشار از هشدار نسبت به این موارد در ممانعت از تحقق آنهاست:

آیه: "قل انما اعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی وفردی ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنة" (سوره سبأ ۴۶-) (بگو: تنها شما را به سخن یگانه ای اندرز می دهم و آن اینکه: دو تن دوتن و تک تک برای خداوند قیام کنید، سپس بیندیشید در همنشین شما دیوانگی نیست ...) ما را از گفتگو در فضای متشنج و ساختگی باز می دارد.

و آیه: "قل لا تسألون عما أجرنا ولا نسأل عما تعملون" (سوره سبأ ۲۵-) (بگو: نه آنچه ما گناه کرده ایم، از شما می پرسند و نه آنچه شما می کنید، از ما پرسیده می شود). نیز ما را از یادآوری گذشته بازمی دارد و به احترام به دیگری وامی دارد. در آیه دیگری که ما را از دشنام گویی حتی به خدایان مشرکان نهی کرده است نیز این گرایش کاملاً مشهود است.

ششم:

علاوه بر همه اینها، اختلاف روش های استدلال و شیوه های استنباط نیز مانع از همسویی نتیجه گیری هاست و بنابراین باید در راستای تحقق موارد زیر کوشش کرد:

۱- رهایی از هرگونه پیش داوری، پیش از آغاز گفتگوها.

۲- توافق بر شیوه واحدی برای استنباط، که البته کار چندان دشواری هم نیست.

۳- تعیین دقیق مسئله مورد گفتگو تا چنان نباشد که هرطرف به مسئله یا مفهومی نظر داشته باشد که دیگری را با آن کاری نیست.

علاوه بر موارد فوق الذکر، موانع دیگری از قبیل:

۱- اینکه گفته یا نظر نادری را به عنوان باور یک مذهب در نظر بگیریم.

۲- تصورات و دیدگاه های یک مذهب را از زبان دشمنان آن جویا شویم.

۳- افراد فاقد صلاحیت را وارد روند گفتگو کنیم.

۴- از شیوه های پیچ و خم دار برای چیره شدن بر طرف مقابل، بهره بگیریم.

و جزآن، وجود دارد که فرصت پرداختن به آنها نیست ولی حتماً باید از آنها اجتناب ورزیم و از میانشان برداریم تا به تقریبی که مطلوب و در واقع در این جهان پر آشوب، ضروری است، دست یابیم.

امنیت تل آویو با پول اعراب

آمریکا با فروش سلاح به شرط عدم استفاده از آنها علیه رژیم صهیونیستی به اعراب، نه تنها ۶۰ میلیارد دلار هزینه بر آنها تحمیل کرده، بلکه در راستای ایجاد رقابت تسلیحاتی در منطقه نیز گام برداشته است.

مسابقه تسلیحاتی به ویژه در خاورمیانه به دلیل دخالت قدرت ها همواره وجود داشته است، اما مدتی است که این مسابقه با هیجان بیشتری دنبال می شود. هیجان کاذبی که از سوی آمریکا ایجاد شده تا بازار اقتصادی خود را در این زمینه داغ نگاه دارد. چنانکه دولت باراک اوباما هشتم دیمه (۲۹ دسامبر) اعلام کرد که قرارداد ۶۰ میلیارد دلاری را با دولت عربستان سعودی نهایی کرده است و اجرای آن سالانه سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به اقتصاد بیمار آمریکا تزریق خواهد کرد. ایجاد جو پرخطر بودن منطقه خاورمیانه و نشان دادن ایران به عنوان یک خطر بزرگ برای اعراب! باعث شده تا آمریکا سلاح های تاریخ مصرف گذشته خود را به کشورهایی چون عربستان بفروشد.

نکته مهم این است که کشوری چون عربستان در قراردادهای تسلیحاتی تعهد کرده است که این سلاح ها را علیه همپیمانان رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار ندهد و فقط به منظور جلوگیری از خطرات در منطقه خاورمیانه همان خطرهای احتمالی ترسیم شده از سوی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد. نکته پنهان شده از دید اعراب بحران اقتصادی به وجود آمده در غرب است که فروش سلاح به کشورهای منطقه را تسریع کرده است. ایران هراسی و رونق بازار فروش اسلحه به عرب ها: بنا به گزارش روز گذشته روزنامه المنار فلسطین یک مسوول در وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا از فروش اسلحه توسط آمریکا به عربستان سعودی به ارزش ۶۰ میلیارد دلار پرده برداشت و گفت؛ این قرارداد فروش تسلیحاتی در چند مرحله انجام می پذیرد. آندرو شاپیرو معاون وزیر خارجه آمریکا در امور سیاسی و نظامی تصریح کرد: هدف از این قرارداد تحکیم روابط دو کشور می باشد و همچنین آمریکا قصد دارد قدرت بازدارندگی این کشور نفت خیز را افزایش دهد، زیرا امکان دارد تاسیسات نفتی این کشور نفت خیز در آینده مورد تهدید واقع شود. زیرا این تاسیسات نقش سرنوشت سازی در اقتصاد آمریکا دارد.

این مسوول آمریکایی گفت؛ این قرار داد در صنایع دفاعی آمریکا ۷۰ هزار فرصت شغلی ایجاد می کند. المنار رازهای قراردادهای تسلیحاتی میان آمریکا و عربستان سعودی را بر ملا و تصریح کرد؛ قرارداد ۶ میلیارد دلاری بین این دو کشور طبق شرایط و تبصره هایی از سوی رژیم صهیونیستی انجام شده است و شرایطی را که اسرائیل در این قرارداد ذکر کرده باعث می شود که این قرارداد دارای تاثیر منفی در منطقه خاورمیانه باشد و تاثیری در معادلات قدرت در خاورمیانه نداشته باشد و اسرائیل همواره چشم طمع به سرزمین های کشورهای عربی بدوزد.

خبرنگار المنار به نقل از منابع مسوولی که با کارشناسان آگاه به بازار اسلحه در ارتباط هستند، گفت: بسیاری از سیستم هایی که آمریکا به عربستان تحویل خواهد داد تاریخ گذشته و از مقدار قدرت تخریبی آن کاسته شده و جنگنده اف ۱۵ که عربستان از آمریکا تحویل خواهد گرفت شبیه تجهیزات و سیستم های الکترونیکی که جنگنده های رژیم صهیونیستی دارای آن می باشند، نیستند و این سیستم هایی که آمریکا تحویل عربستان خواهد داد دارای قلدت تخریبی و برد اندکی می باشند. این منابع تصریح کردند که جنگنده اف ۱۵ که آمریکا به عربستان تحویل خواهد داد در آن تعدیلاتی بنا به درخواست رژیم صهیونیستی انجام شده است.

بنا به گزارش المنار عربستان سعودی در قرارداد تسلیحاتی تعهد کرده است که این سلاح ها را علیه همپیمانان رژیم صهیونیستی مورد استفاد قرار ندهد و این تعهدی بود که باعث شد این قرارداد جنبه عینی به خود

گیرد. و این دلیل بر این است که سلاح های خرید شده توسط عربستان جنبه استراتژیک خود را از دست بدهد. حتی تل آویو در نشست هایی که با فرماندهان وزارت دفاع آمریکایی و عربستانی داشته اطمینان حاصل کرده که این سلاح در راستای پروژه ایران هراسی فروخته می شود و این سلاح ها علیه ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت که دولت های منطقه را مورد تهدید قرار می دهد. منابع فوق ذکر کردند که عربستان در نشست های سری بر تحکیم روابط امنیتی و نظامی و هماهنگی مشترک میان طرف های ضدایرانی موافقت کرده تا مانع دستیابی ایران به قدرت نظامی شوند. فروش اسلحه به امارات با بهانه تامین امنیت خلیج فارس: بنا به گزارش سی ان ان؛ آمریکا برای اولین بار امارات متحده عربی را با سیستم موشکی (ثاد) مجهز خواهد کرد. بنا براین گزارش ایالات متحده آمریکا امارات را با سیستمی مجهز خواهد کرد که در بازارهای بین المللی هیچ سابقه ای نداشته است و این دومین قرارداد آمریکا با کشورهای خلیج فارس می باشد.

پنتاگون اشاره کرد که امارات متحده به موجب این قرارداد از سیستم های ضد موشکی و ۹۶ موشک و مجموعه ای از رادارهای ویژه و برنامه های آموزشی و لجستیکی برخوردار خواهد شد. پنتاگون در یک بیانیه تصریح کرد که این سیستم دفاعی قدرت دفاعی و موشکی امارات را افزایش خواهد داد و باعث پویایی همکاری دو جانبه میان دو کشور مورد قرار داد می شود. این بیانیه تصریح کرد که این دو کشور دارای رابطه تنگاتنگی هستند زیرا هر دو در تامین امنیت در خلیج فارس دارای اهتمام مشترک هستند.

این منبع اشاره کرد که موقعیت امارات متحده عربی به گونه ای است که در بستان تنگه هرمز توسط ایران می تواند نقش مهمی را ایفا کند. زیرا این تنگه در روند اقتصادی جهان نقش مهمی را ایفا می کند. با این حال تحلیلگران معتقدند که واکنش ها به مانور ایران در تنگه هرمز نشان داد که در صورتی که ایران بخواهد آن را مسدود کند، از دست کسی کاری ساخته نیست. خبرگزاری رویترز نیز به قرار داد فروش اسلحه بین امارات و آمریکا پرداخت و گفت: آمریکا این قرارداد را برای جلوگیری از خطرات در منطقه خاورمیانه انجام داده است! نقش سلاح های آمریکایی در خاورمیانه: سعد العزونی روزنامه نگار و نویسنده مقالات روزنامه اردنی العرب می گوید: خرید سلاح به دلیل جلوگیری از تجاوز بیگانگان و آزادسازی سرزمین های اشغالی امر خوب و مایه مباحثاتی است، اما اگر این اسلحه ها باعث پشتیبانی از بازارهای سلاح آمریکا باشد تردیدبرانگیز است.

وی اشاره کرد که دنیای عرب شاهد چندین جنگ تحمیلی بوده است، اما این ها نتوانسته اند یک متر از سرزمین های فلسطین را آزاد کنند. وی بدین ترتیب خرید اسلحه از سوی کشورهای عربی را زیر سوال می برد. نبیل خلیل روزنامه نگار دیگری از روزنامه اردنی العرب می گوید: هدف اصلی از تسلیح کشورهای عربی در حمایت از تهدیدات اسرائیل نمی باشد. بلکه ترس میان کشورهای عربی می باشد که با هم در رقابت می باشند. و همچنین ترس از درگیری های داخلی است. همه اسناد بیانگر این موضوع هستند و قراردادهای تسلیحاتی میان آمریکا و کشورهای عربی را توجیه می کند. دلارهای نفتی کشور های عربی در حمایت از رژیم صهیونیستی: پایگاه خبری عراقی نهرین نت نیز از قرارداد تسلیحاتی میان آمریکا و کشورهای عربی خبر داد و گفت؛ ضمن طرح راهبردی آمریکا برای تبدیل کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی به خط مقدم برای خود، این کشور در تلاش است این خط دفاعی را با سرمایه خود این کشورها تامین کند. در این راستا وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد؛ شرکت لاکهید مارتین قرارداد ۱.۹۶ میلیارد دلاری برای تجهیز امارات که متحد آمریکا و اسرائیل است دریافت کرده است.

منبع: ایرنا

رهبر شیعیان بحرین:

خاک بحرین با خون شهدا رنگین شده است

خطیب جمعه شهر دراز بحرین تاکید کرد که سال گذشته میلادی سال خونینی برای شهروندان این کشور بود.

آیت الله شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین در خطبه های نماز جمعه شهر دراز که در مسجد امام صادق (ع) برگزار شد با اشاره به فرارسیدن سال ۲۰۱۲ میلادی گفت: سال ۲۰۱۱ میلادی نمونه روشنی از ایستادگی ملت ها در برابر ظلم و سرکوب و همچنین صبر و استقامت در راه عزت و کرامت و فداکاری و پایداری بود، ملت بحرین نیز با تمسک به این امور و پابندی به انضباط توانست به الگویی برای قیام مبدل شود.

وی افزود: سالی که گذشت اوج سنگدلی، تجاوز به ارزش های دین، اخلاق، عرف و معاهده های بین المللی در بحرین به نمایش گذاشته شد و امیدوارم این پدیده در سایر کشورها به اجرا درنیاید. نظام بحرین نتوانست برخورد متعادلی با مطالبات مردم داشته باشد و با تدابیر خشن و سهمگین که جزئی از تروریسم و تجاوز به دین و وجدان است، به جنگ مردم رفت.

آیت الله عیسی قاسم سال گذشته را سالی خونین برای ملت بحرین توصیف کرد و اظهار داشت: ملت بحرین در سال گذشته با انواع تجاوزها و شکنجه ها از سوی نظام مواجه شد، رزق و روزی مردم قطع شد، شهروندان کشته شدند، نوامیس مردم مورد تجاوز قرار گرفت، مساجد ویران شدند، به قرآن تجاوز شد، عقاید و شعائر دینی زیر پا گذاشته شدند و سایر تجاوزهایی که با دین و انسانیت مغایرت دارد در سالی که گذشت انجام گرفت.

رهبر شیعیان بحرین تصریح کرد: در پایان سال نیز خاک منطقه ستره با خون پاک فرزندی از خانواده های قهرمان ستره رنگین شد، جنایت های نظام برای همگان ثابت شده است و حتی کمیته تحقیقی که از سوی آل خلیفه تشکیل شد نیز بر جنایت کار بودن مقامات صحه گذاشت.

وی از پافشاری ملت بر خواسته های مشروعشان یاد کرد و ادامه داد: فشارها علیه نظام برای آزادی زندانیان، بازگشت پزشکان، کارمندان و دانشجویان اخراج شده، انصاف مظلومان، پیگرد مرتکبین جنایت علیه مردم اعم از مسوولان و اعضای دستگاه های دولتی و همچنین اصلاحات سیاسی به شدت افزایش یافته است.



شیخ عیسی قاسم با اشاره به عدم تحقق وعده های داده شده توسط مقامات بیان داشت: حکومت وعده های فراوانی داده است، اما هیچ

کدام از این وعده ها تحقق نیافت و قاتلان مجازات نشدند، مظلومان مورد انصاف قرار نگرفتند، کارمندان و پزشکان و دانشجویان به کار و درس بازنگشتند، شکنجه و کشتار پایان نیافت، توهین به شهروندان و وابسته خواندن آنان به بیگانگان پایان نپذیرفت، حمله به منازل و استفاده از گازهای سمی در ساعت های مختلف شبانه روز متوقف نشد، عزمی جدی برای بازسازی مساجد دیده نمی شود، زندانیان آزاد نشده، محاکمه ها پایان نیافته و تغییر ملموسی دیده نشده است.

خطیب جمعه شهر دراز تاکید کرد: البته چیزهای جدیدی در بحرین از سوی مقامات به نمایش گذاشته شد که می توان از کشتار شهروندان با استفاده از گازهای سمی به جای شلیک گلوله و همچنین شکنجه در محل اعتراضات به جای شکنجه در زندان ها به عنوان نمونه یاد کرد، و گر نه غیر از این امور چیز جدیدی دیده نمی شود، اما ملت همچنان پایدار مانده و اراده مردم در مقابل پول و گلوله شکسته نخواهد شد.

این عالم شیعه بحرینی در ادامه خطبه های خود به قیام ملت های عربی پرداخت و گفت: ملت های عربی که از ظلم و ستم نظام های مستبد که مردم را به ذلت کشیده و عزت و کرامت را از آنان گرفته بودند، قیام کردند. این قیام ها متوقف نخواهند شد و تا هنگامی که ملت ها احساس نکنند حکومت وابسته به آنان است از اعتراضات دست برنخواهند داشت و آرام نمی گیرند.

وی استفاده از خشونت برای پایان دادن به اعتراضات را بی فایده خواند و افزود: استفاده از سیاست سرکوب و قلع و قمع و نبرنگ های مختلف برای سرکوب اعتراضات مردمی در کشورهای عربی بی نتیجه بوده و حداقل ۳ دیکتاتور عربی در سال گذشته سرنگون شده و تحت فشار شدید مردم، مجبور به کناره گیری از قدرت شدند.

آیت الله عیسی قاسم تاکید کرد: جنبش های انقلابی همچنان به پیشروی خود ادامه می دهند و زلزله های سهمگینی کشورهای عربی را تا تحقق کامل اهداف ملت ها در قالب عزت، کرامت و بازگشت حقوق شهروندی و انسانی در کشورهای عربی فرا خواهد گرفت.

رهبر شیعیان بحرین صبر در برابر ذلت و خواری را تحمل ناپذیر عنوان کرد و ادامه داد: امت اسلامی دیگر تحمل ذلت، خواری، فساد سیاسی و اقتصادی و مصادره اراده ملت را ندارد، بلکه به صبر جدیدی که صبر در طاعت خداوند و استمرار جهاد برای عزت و کرامت است، روی آورد. بازگشت به دوران ظلم دیگر جایگاهی در میان امت ندارد و همه درهای بازگشت به گذشته بسته شده اند.

این عالم انقلابی از نادانی و جهالت حکام عرب یاد کرد و اظهار داشت: حکام عرب اگر کمترین مقدار حکمت و درایت را داشتند می توانستند ملت های خود را با اجرای اصلاحات قانع کنند، اما با تمسک به کذب و افترا می خواستند قیام مردم را ناکام سازند. ملت ها بیدار شده اند و شیوه های نظامی و تروریستی نمی تواند اراده مردم برای تغییر را متوقف کند.

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجد جامعی در سمپوزیوم همکاری مسلمانان و مسیحیان در خاورمیانه:

بهار عربی و موقعیت مسیحیان

اشاره: مرکز گفتگوی ادیان و تمدن‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی روز اول آذرماه گذشته سمپوزیومی تحت عنوان "همکاری مسلمانان و مسیحیان در خاورمیانه؛ چالش‌ها و فرصت‌ها" برگزار کرد. در این نشست شماری از اندیشمندان جهان اسلام و مسیحیت به تبادل نظر

پیرامون پیامدهای تحولات کشورهای عربی در جریان موج بیداری اسلامی و دیگر مسائل مهم مطرح در حوزه مناسبات بین‌الادیانی پرداختند. مطلبی که پیش رو دارید، متن سخنرانی ارائه شده به این اجلاس از سوی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی است.

در ابتدا مایلم از تمامی برگزارکنندگان محترم تشکر کنم و به میهمانان عزیز خیرمقدم بگویم. همفکری و همکاری مسلمانان و مسیحیان همیشه مهم بوده و امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

خاورمیانه دوران انتقالی سختی را از سر می‌گذراند. این همکاری‌ها می‌تواند کمک کند تا این مرحله حساس و لغزنده با موفقیت طی شود. نه فقط بدان لحاظ که مسیحیان خاورمیانه‌ای موقعیتی متناسب داشته باشند، بلکه به این دلیل که این جریان به پیمایش موفق این مرحله کمک شایانی خواهد کرد.

سخن بر سر "بهار عربی و موقعیت مسیحیان" است. می‌کوشم به اختصار نکاتی را متذکر شوم.

۱- مسیحیت به هرگونه که تعریف شود و از هر زاویه‌ای که نگریسته شود، پدیده‌ای خاورمیانه‌ای است. حضرت مسیح (ع) از خاورمیانه برخاست و در همین منطقه تبلیغ کرد و از همین منطقه بود که مسیحیت به نقاط دیگر راه یافت. شکل‌گیری اولیه ایمان و جامعه مسیحی از همین نقطه اتفاق افتاد. رابطه مسلمانان و مسیحیان خاورمیانه عموماً رابطه‌ای خوب و صمیمانه بوده است. مسیحیان بخشی از تاریخ و فرهنگ و هویت خاورمیانه‌ای بوده و هستند. این نه واقعیتی تاریخی، بلکه واقعیتی معاصرانه نیز هست. مسیحیان عرب در شکل‌دهی به تاریخ معاصر خاورمیانه عربی سهم بزرگی داشته‌اند. آنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و حتی فعالیت‌های ناسیونالیستی و ضداستعماری فعال و تاثیرگذار بوده‌اند و بعضاً سهمی بیش از نسبت عددی‌شان داشته‌اند. ادامه این جریان به نفع حفظ تعادل اجتماعی و شکوفایی و خلاقیت فرهنگی است.

اهمیت مسئله هنگامی روشن می‌شود که موقعیت آنان با کاتولیک‌های آمریکایی تا قبل از اوایل قرن بیستم یا حتی کاتولیک‌های ایرلند جنوبی تا قبل از استقلال مقایسه شود. آمریکایی‌ها به کاتولیک‌هایشان عمیقاً سوءظن داشتند و کمتر با آنان معاشرت می‌کردند. آنها نمی‌توانستند موقعیت مناسبی در کشور خود و به ویژه در سازمان و تشکیلات اداری‌اش بیابند. این سخن به نوعی دیگر در مورد ایرلند جنوبی که کاتولیسیسم حائز اکثریت مطلب بود و اساساً هویت آن را تشکیل می‌داد هم صحیح است. آنها تا دهه ۲۰ قرن بیستم تحت استعمار انگلیس‌ها بودند و در حاشیه جامعه خود قرار داشتند. به هر حال مهم این است که این واقعیت یادشده از جانب طرفین شناخته شده و تلاش شود که مسیحیان جایگاهی شایسته در خاورمیانه پس از دوران انتقال بیابند.

۲- بهار عربی ذاتاً ماهیتی آزادی‌خواهانه و اصالت‌طلبانه و ضدفساد دارد. اعتراضی است علیه نظام‌های فاسد و مستبد و وابسته که آزادی شهروندان را نادیده می‌گیرند و حقوق و کرامت فردی و ملی آنان را پایمال می‌کنند. این جریان بود که به سقوط نظام‌های تونس، مصر و لیبی انجامید. این موج هنوز هم فعال است و به پیش می‌رود. کشورهایی در حال غلیان و ناآرامی‌اند و کشورهای دیگر با دلوپسی و حساسیت فراوان اوضاع را دنبال می‌کنند. مهم این است که موج اصلاح‌طلبی و آزادی‌خواهی و دفاع از حقوق و

کرامت انسانی همه جا را فراگرفته است. حتی اگر شاهد تغییرات سیاسی بیشتری هم نباشیم، رژیم‌های حاکم نمی‌توانند چون گذشته عمل کنند. این عملاً به نفع تمامی شهروندان و از جمله مسیحیان است.

۳- بهار عربی موجب شد که واقعیت‌های نهفته و تمایلات سرکوب شده نمود خارجی بیابد و از جمله آنها مطالبات اسلامی بود. سیاست ایجاد خفقتان و سلب آزادی بیان و عقیده آن چنان شدید بود که این درخواست‌ها متناسب با عمق و وسعت‌اش مجال بروز نداشت. نمونه بارز آن رژیم تونس بود. واقعیت این است که این مطالبات با بهار عربی خلق نشد. وجود داشت اما مجال ظهور نداشت، چنانکه بسیاری از واقعیت‌های دیگر هم مجال بروز نداشتند. حال مسئله این است که نسبت بین گرایش اسلامی موجود و موقعیت مسیحیان چگونه است؟ می‌کوشم مسئله را به اختصار توضیح دهم. در این زمینه نکات فراوانی وجود دارد و می‌باید تحولات اجتماعی و سیاسی جهان عرب از ابتدای قرن بیستم و خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم به دقت بررسی شود. اما مهمترین‌هایش که به وضعیت کنونی مربوط می‌شود دو نکته هستند. اول آنکه به جز گروه‌های اسلامی، احزاب و گروه‌های فراوان دیگری در صحنه حضور دارند. چه در جامعه و چه در پارلمان و چه در بخش‌های تعیین‌کننده دیگر. اینان پذیرفته‌اند که با یکدیگر کار و همکاری کنند و اصولاً چاره‌ای جز این نیست. مدیریت کشور مستلزم همکاری تمامی گروه‌ها است.

این همکاری منجر به تعدیل تمامی گروه‌ها و واقع‌بینی بیشتر آنان خواهد شد. گروه‌های مختلف اسلامی مجبورند در چارچوب امکانات موجود حرکت کنند. در غیر این صورت پایگاه و جایگاه خود را از دست خواهند داد. نکته دوم آنکه یکی از مهمترین وسایل برای به شکست کشاندن موج آزادی‌خواهی و اصلاح‌طلبی کنونی ایجاد تنش در رابطه بین مسلمانان و مسیحیان و ایجاد ترس و وحشت در بین آنهاست. این به دلیل حساسیت ذاتی مسئله و حساسیت افکار عمومی جهانی نسبت بدان است. متأسفانه رژیم‌های دیکتاترمنش قبل از بهار عربی برای بدنام کردن گروه‌های اسلامی اقداماتی علیه مسیحیان انجام می‌دادند. تروریست‌ها در عراق هم برای متشنج کردن اوضاع و ایجاد ناامنی چنین می‌کردند. این نشان‌دهنده حساسیت ذاتی مسئله است. در حال حاضر این خطر وجود دارد. در برخوردهای ماه‌های اخیر بین قبطیان و سلفی‌ها، عوامل اصلی تحریک‌کننده خارجی بودند و هدف نهایی، به شکست کشاندن قیام مردم مصر بود. این نکته‌ای است که هم شخصیت‌های مسلمان و هم قبطی بدان اعتراف کردند. مقابله با این خطر از جمله مهمترین مواردی است که همکاری اسلامی - مسیحی را می‌طلبد. مسئله این نیست که این همکاری به تنهایی می‌تواند چنین توطئه بزرگی را خنثی کند. ما می‌باید حد خود را بشناسیم و توقعی فراتر نداشته باشیم. هر کس وظیفه‌ای دارد. از پلیس و بخش‌های امنیتی گرفته تا رسانه‌ها و مقامات رسمی. اما این همکاری می‌تواند موثرترین راه حل را ارائه دهد و مانع از آن شود که طرفین

تحت تاثیر احساسات کور قرار گیرند. بکوشد که افراد یا گروه‌های افراطی موجود در دو طرف داستان را قانع یا منزوی کند. این مشکلی است که می‌باید با تفاهم و اعتماد و گفت‌وگو و قانع کردن حل شود. اگر این ابتکار جامعه عمل پوشد و از برخوردهای موردی در حال حاضر جلوگیری شود، آنگاه هم سلفیان و هم قبطیان افراطی در پرتو تحولاتی که روی می‌دهد به تعادل خواهند رسید و زمینه‌های برخورد از میان خواهد رفت.

۴- مشکل دیگری که با بهار عربی تشدید شد، اندیشه‌ها و تقسیم‌بندی‌های طایفه‌گرایانه است. این مسئله در جهان عرب تاریخی طولانی دارد و به مثابه بخشی از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی عمل کرده و عمل می‌کند و اصولاً طرز تفکر عموم اعراب به گونه‌ای است که بسیاری از مسائل را از همین دریچه می‌نگرند و تبلیغات و تحلیل‌هایی که با توگه به مسائل طایفه‌ای مطرح می‌شود، برای آنان قابل فهم‌تر و حتی تاثیرگذارتر هستند.

واقعیت این است که این یکی از مشکلات درونی جهان عرب است، زیرا بسیاری از مسائل، دست‌کم در زمان ما، طبیعت و ماهیت طایفه‌ای ندارند و ثانیاً این موضوع می‌تواند بهانه و ابزار مناسبی باشد در دست قدرت بدستان برای متهم و محکوم کردن هر آن کس یا گروهی را که نمی‌پسندند. در این میان مهم این نیست که حق چیست و عدالت کدام است، مسئله این است که معترض کیست و متعلق به کدامین طایفه است. معیار در نهایت وابستگی‌های طایفه‌ای، اعم از نژادی و مذهبی است و نه هیچ چیز دیگر.

متأسفانه این طرز تفکر پس از گسترش اعتراضات مردمی در ماه‌های اخیر بار دیگر با شدت هرچه تمام‌تر به صحنه آمد و با تأسف بیشتر کارآمدی خود را نشان داد. داستان چنین است که به هر حال در برابر اعتراضات وسیع موجود کسانی هستند که یا به رژیم‌های حاکم وابسته‌اند یا منافع و مصالح مشترکی با آنان دارند. در چنین حالتی طبیعی خواهد بود که اینان از هر نوع مقابله‌ای با معترضان استقبال کنند و یکی از مفهوم‌ترین و مشروع‌ترین مقابله‌ها، مقابله طایفه‌ای است و این که معترضان را به طایفه‌گرایی متهم کنند و از آنجا که چنین بستری در افکار عمومی عربی وجود دارد، این تبلیغات می‌تواند افکار آنان را هم تحت تاثیر قرار دهد و بدتر آنکه زمینه را برای نوعی قطب‌بندی طایفه‌ای فراهم آورد. موقعیت مسیحیان عرب در حال حاضر تا مقدار زیادی متأثر از همین اندیشه‌ها و معیارهای طایفه‌گرایانه است و احتمالاً خود مسیحیان نیز این گونه باشند. در این حالت مهمترین راه حل، مقابله با چنین افکار و ضوابطی است و این که افراد به عنوان شهروند دیده و ارزیابی شوند و نه این که به کدامین گروه و طایفه تعلق دارند.

واقعیت این است که موفقیت بهار عربی تا مقدار زیادی وابسته به این است که تا چه میزان بتواند از این موانع عبور کند. موفقیت در نهایت بیش از آنکه موهون آرزوها و ایده‌آل‌ها باشد، موهون شرایط مثبتی است که جهت نیل به اهداف فراهم می‌آوریم. برای ایجاد شرایط مناسب بعضاً می‌باید با رسوبات بازدارنده گذشته مبارزه کنیم.

۵- در اینجا لازم است به نکته دیگری هم



اشاره شود و آن مسئله تبشیر است که سوءظن همگان، از جمله مسلمانان را برمی‌انگیزد. بوداییان و هندوها و حتی ارتدوکس‌ها و بعضاً خود کاتولیک‌ها نسبت به مسئله تبشیر حساسیت دارند. حساسیت صرفاً به جانب مسلمانان نیست. باید اعتراف کرد که این مسئله در حال حاضر مسئله‌ای جهانی است و عمیقاً مرتبط است با افزایش ارتباط‌های الکترونیکی و ماهیتاً تفاوت‌های فراوانی با تبشیر در دهه‌های گذشته دارد و این که عموم کلیساهای معتبر امروز رغبتی به تبشیر ندارند و احیاناً با آن مخالف هستند.

اما علیرغم این همه و برای ایجاد اطمینان و اعتماد، بهتر است که بزرگان کلیساهای یاد شده با شفافیت بیشتری حساب خود را از کلیساهای تبشیری جدا کنند. این جریان در نهایت به نفع همگان و یکی از مهمترین عوامل در ایجاد زمینه‌های مناسب و پایدار برای همکاری‌های بعدی است.

استاد تاریخ سیاسی دانشگاه بغداد:

عربستان و آمریکا، ریشه

ناآرامی‌های عراق

استاد تاریخ سیاسی دانشگاه بغداد، با اشاره به نقش منفی آمریکا و عربستان سعودی در عراق، تاکید کرد که همه عملیات‌های تروریستی و مشکلات عراق ریشه در ریاض دارد.

"جاسب الموسوی"، خواستار استرداد طارق الهاشمی معاون رئیس‌جمهور عراق از منطقه کردستان و محاکمه وی در دادگاههای عراق به اتهام رهبری عملیات تروریستی شد و گفت: این آمریکا بود که چنین تروریستهایی را خارج از فرایند انتخابات وارد سیاست کرد و آنها را در سمتهای بالای دولتی جای داد.

وی افزود: طارق الهاشمی و جریانی که الهاشمی نماینده آن است، روند سیاسی عراق را نمی‌پذیرند؛ برخی جریانها در عراق شراکت و حقوق شهروندی دیگران را نمی‌پذیرند مثلاً جریانی که با صدام همراه بوده‌اند.

الموسوی گفت: برخی سیاستمداران عراقی با طرحهای کشورهای عرب منطقه مثل عربستان در ارتباط هستند که این طرح‌ها خواستار ثبات در روند سیاسی عراق نیست.

استاد تاریخ سیاسی دانشگاه بغداد با انتقاد از اعطای سمتهای دولتی ارشد به افرادی که دستشان به خون عراقی‌ها آغشته است، گفت: این مسئله با اصول روند سیاسی و نتایج انتخابات عراق منافات دارد و اشغالگران آمریکایی برای آن تلاش کرده‌اند. الموسوی تاکید کرد: آمریکا بمبهای ساعتی بزرگی در روند سیاسی عراق بر جای گذاشته است. از سوی دیگر کشوری که نقش منفی اول در مسائل عراق دارد، عربستان است.

وی افزود: من تاکید می‌کنم که همه عملیات تروریستی و مشکلات در عراق ریشه در ریاض دارد؛ تعداد زیادی از سیاستمداران عراقی با عربستان و کشورهای دیگر شورای همکاری خلیج فارس و شاید کشورهای غربی مثل آمریکا و انگلیس ارتباط دارند و این مسئله، روند سیاسی عراق را مختل می‌کند.

یادی از محقق و مصحح کوشا، مرحوم شیخ عبدالله نورانی؛ مسافر نایاب

به قلم استاد سید هادی خسروشاهی

رسمی، و در واقع ۶۰ سال تدریس در محافل و مراکز علمی و حوزوی، در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.

کتابهای زیر از جمله آثاری است که با مقدمه و توضیحات و یا تحقیق و تصحیح شیخ عبدالله نورانی منتشر شده است: شرح حکمه الاشراق قطب الدین شیرازی، مبدأ و معاد ملاصدرا، مصنفات میرداماد، مصنفات غیاث الدین حسین شیرازی، المبدأ والمعاد ابن سینا، فراندالاصول شیخ انصاری، رسائل ادهم خلخالی (۱۴ رساله در عقاید و اخلاق و عرفان) تحریر شرح هدایه ملاصدرا، حکمت الهی در متون فارسی ...

استاد بزرگوار دکتر مهدی محقق درباره نقش شیخ عبدالله نورانی در احیای آثار بزرگان پیشین می گوید: «من وقتی که پس از چندین سال تدریس علوم عقلی و فلسفه در کانادا، در سال ۱۳۴۷ به ایران برگشتم، به تأسیس شعبه‌ای از مؤسسه تحقیقاتی دانشگاه مک گیل در ایران اقدام کردم و نخستین کسی که برای تحقق این هدف مرا یاری کرد، شیخ عبدالله نورانی بود. و وقتی که مجموعه‌ای از متون و مقالات در منطق اسلامی را فراهم کردیم، شیخ عبدالله نورانی چندین بحث و مقاله تحقیقی به این مجموعه افزود که بسیار پرازش بود و از آن جمله بود: تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار، اجوبه مسائل الاسترآبادی، تعلیقات منطقیه میرداماد، مطارحات منطقیه بین المکاتبی و الطوسی...»

او سپس تلخیص المحصل خواجه نصیر را به ضمیمه رسائل و فوائد کلامی و ترجمه فارسی کتاب التحصیل بهمینار را برای نشر به مؤسسه مطالعات اسلامی داد و در واقع با احیا و نشر این کتابهای نفیس و ارزشمند، مؤسسه مطالعات اسلامی را به مراکز علمی جهان معرفی نمود و این خدمت بزرگی به جهان علم و فرهنگ از سوی او بود...

البته علاوه بر اینها، شیخ عبدالله مقالات و سخنرانی‌های علمی متعددی در همایشهای علمی کشور در مشهد، تهران، اصفهان، نور، لاهیجان و... ارائه و ایراد نمود که در صورت جمع‌آوری و نشر مستقل، یک اثر تحقیقی ماندگار خواهد بود.

چند خاطره

... در سفر حج سال ۱۳۴۸ که به دعوت شهید مطهری، این جانب نیز عضو هیأت علمی کاروان حج حسینییه ارشاد بودم، دوستان و اساتیدی چون:



عکس اول از راست: دکتر علی شریعتی، شیخ عبدالله نورانی، استاد محمدتقی شریعتی و شهید مرتضی مطهری - عکس دوم: شیخ عبدالله نورانی در جلسه بزرگداشت شیخ علی دوانی.

محمدتقی شریعتی، شهید مرتضی مطهری، سید علی شاهچراغی، صدر بلاغی، سیدغلامرضا سعیدی، فخرالدین حجازی و شیخ عبدالله نورانی و غیره هم شرکت داشتند.

در مدینه منوره شبها پس از فراغت از تمامی اعمال، دوستان در یک «مقهی» - نزدیک محل اقامت، جمع می‌شدند و اهالی دود - به کشیدن قلیان (و به قول عربها: ششه) می‌پرداختند و کسانی که مانند حقیر اهل دود نبودند، به نقل حکایات و

اشاره: قرار بود که در چهلمین روز درگذشت همزمان دو دوست قدیمی بزرگوار و استاد حوزه و دانشگاه، ذکر خیری از آنها به عمل آورم. یادی از مرحوم استاد آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی به عمل آمد که در تاریخ ۲۳ آذر ۹۰ در جریده شریفه اطلاعات چاپ شد؛ اما ذکر خیر استاد دیگر، مرحوم شیخ عبدالله نورانی نیشابوری به علل غیراختیاری، به تأخیر افتاد. اینک یادکرد ایشان با اندکی تأخیر.

در سالهای ۱۳۳۴ به بعد، بعضی تابستانها همراه جمعی از دوستان حوزوی قم به مشهد مقدس می‌رفتم. محل سکونت و یا پاتوق ما نوعاً مدارس مشهد، از جمله «مدرسه نواب» و شبها مسجد گوهرشاد بود که صبح و غروب، مرکز تجمع طلاب خراسانی و مسافران قمی به شمار می‌رفتند. آشنایی و دوستی من با طلاب جوان و افاضل خراسانی آن زمان، چون آقایان: سیدعلی و سیدمحمد خامنه‌ای، محمدتقی عبدخدایی، سیدحسن ابطی، محمدرضا حکیمی، شفیع کدکنی، سیدمحمدحسین روحانی، شیخ ناصری و وحید دامغانی و... محصول آن دوران و همین سالها و سفرهای تابستانی بود.

در یکی از این سفرها با طلبه جوان، آرام و ساکتی به نام عبدالله نورانی - ساکن «مدرسه میرزا جعفر» واقع در صحن کهنه آستان قدس رضوی - آشنا شدم. شیخ عبدالله در فروردین سال ۱۳۰۸ در نیشابور به دنیا آمده بود و پس از تحصیل مقدمات در حوزه آنجا، راهی مشهد مقدس شده و در طول اقامت طولانی و تقریباً بیست ساله‌اش، از حوزه درسی بسیاری از مدرسان و علمای شهر بهره‌مند گشته بود.

وی در محضر پرفیض اساتیدی چون: ادیب نیشابوری، حاج شیخ مجتبی قزوینی، شیخ محمدکاظم دامغانی، میرزا جواد آقا تهرانی، شیخ هادی کدکنی و... در رشته‌های مختلف ادبیات و علوم اسلامی و فلسفه و معقول، تلمذ نمود و ذخیره اندوخت و آنگاه در دروس خارج حوزه مشهد، از جمله درس فقه مرحوم آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی حاضر شد و مراحل بالای علوم را طی نمود.

در واقع باید گفت که شیخ عبدالله نورانی تحصیلات خود را در نیشابور، مشهد، قم و نجف در همه رشته‌های مرسوم حوزوی (ادبیات، منطق، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر قرآن، فقه و اصول و حکمت متعالیه صدرانی) انجام داد.

او بیست سال نخستین عمر علمی - فرهنگی‌اش را در مشهد گذراند و سپس به قم آمد و جز درس و بحث، به کار دیگری مشغول نشد. تا اینکه در سال ۱۳۴۷ به دعوت و اصرار شهید استاد مطهری به تهران آمد و به کار فرهنگی ادامه داد و در بخش علمی و تحقیقاتی حسینییه ارشاد با آن شهید همکاری نمود.

شیخ عبدالله از سال ۱۳۵۲ به بعد به عنوان استاد مدعو و حق‌التدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سپس دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و دانشکده الهیات در دوره‌های لیسانس و دکتری، موضوعات کلام، تاریخ مذاهب، منطق قدیم و متون فلسفی تدریس نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کمیته برنامه‌ریزی دانشکده الهیات شرکت داشت و در تدوین و نشر کتابهای فقه، فلسفه و حقوق با مرکز نشر دانشگاهی همکاری نمود. از سال ۱۳۶۷ نیز با رتبه‌دانشیاری به گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات پیوست و پس از ۲۵ سال تدریس



سفر حج، سال - ۱۳۴۸ از راست: محمد شوکت ایچی (سر دبیر روزنامه زمان، از ترکیه)، سید هادی خسروشاهی، ابراهیم جوب (از سنگال)، سید علی شاهچراغی (امام جماعت وقت حسینییه ارشاد) و شیخ عبدالله نورانی. در ردیف دوم حاج آقا مهدیان و چند دانشجو نشسته‌اند. (از ایران، ترکیه، افغانستان)

طنزیات مشغول می‌شدند و این گعده «شبان»، کمی از خستگی‌های روزانه را برطرف می‌کرد.

شیخ عبدالله نورانی در این جلسات بیشتر شنونده بود تا گوینده؛ ولی یکی دو بار به نقل قصه‌های شیرین پرداخت که موجب انبساط خاطر دوستان گردید. شبی یکی از طلاب جوان که «دشداشه» (لباس عربی بلند) بر تن داشت، نزد ما آمد. من معرفی‌اش کردم که: «از طلاب حوزه هستند.» مرحوم نورانی بلافاصله گفت: «پس مثل ما خل است! یعنی جزء خلان است!» همگی خندیدند و او برای اینکه حرفش موجب رنجش وی نشود، بلافاصله افزود: «مردم جمع "خل" نبود، بلکه خلان به معنی خلیلان است؛ یعنی در واقع ایشان از دوستان است!» جناب کریم فیضی هم نقل می‌کرد که همین مزاح را آن مرحوم با ایشان نیز داشت؛ به اضافه اشاره به وجوه تشابه و «سنخیت قارداشلا» را خراسانی لارا!

در بحثهای کوتاه طلبگی که در آن جلسه‌ها یا موارد دیگر مطرح می‌شد، شیخ عبدالله بدون تظاهر به فضل و دانش، نظرش را به آرامی و اینکه احتمال دارد از این قرار باشد، بیان می‌داشت. در موارد دیگر هم هرگز به اظهار فضل یا تفوق طلبی در مباحثه اقدام نمی‌کرد. در دو سه هفته سفر حج، همواره می‌کوشید مددکار افرادی باشد که در امور زندگی و یا مسائل عبادی نیاز به یاری داشتند. حتی در حمل ساک و کیف سنگین پیرانی که مشکل داشتند، بدون هیچ مضایقه‌ای اقدام می‌کرد.

در عرفات و منی نیز بدون ایجاد کوچکترین مزاحمت بر احدی، گوشه‌ای در اتاق یا قادر را برای خود انتخاب می‌کرد و جای بهتر و آرامتر را به کسانی که نیاز به استراحت بیشتر داشتند، واگذار می‌نمود.

شیخ نورانی، در سفر حج، نورانی‌تر و زلال‌تر بود و گویی تبلور عینی مصادیق و مفاهیم تجلیات معنویات حج بود و این امر که با هیچ گونه ادعای تظاهری همراه نبود، بر اهل نکته و دقیق مشهود و اثربخش بود.

در همایشها

در سفری به لاهیجان که برای شرکت در «همایش بزرگداشت حزین لاهیجی» به دعوت آیت‌الله زین‌العابدین قربانی رفتیم، ایشان به‌رغم اطلاعات وسیعش در ادبیات و این قبیل موضوعات، ترجیح می‌داد که اظهار نظری نکند و اگر هم حرفی می‌زد، می‌گفت: «چنین گفته‌اند،» «چنین نقل شده است؛» درحالی‌که موضوع مطرح شده درواقع نظریه محققانه خود آیت‌الله نورانی بود.

در «همایش بزرگداشت مورخ معاصر، مرحوم

شیخ علی دوانی که در کنار آیت‌الله نورانی نشسته بودم، با اصرار از حقیر خواست که دعوت دوستان برگزار کننده همایش را برای ایراد سخنرانی بپذیرم و با توجه به دوستی و همکاری با آن مرحوم در مجله «مکتب اسلام» و شناختی که از نامبرده دارم، سخنانی بیان کنم. امر شیخ را پذیرفتم و خاطراتی از آن مرحوم نقل کردم و بعد ایشان خود نیز در بزرگداشت مرحوم دوانی، بیاناتی ایراد نمود و به سبک و روش تاریخ‌نویسی او اشاره کرد و او را ستود.

آخرین دیدار

... چندی قبل از درگذشت ایشان، در خیابان ولیعصر (عج)، به سوی میدان تجریش می‌رفتم که دیدم شیخ منتظر ماشین ایستاده است. یکی دو تاکسی خالی از کنارش رد شدند؛ ولی توجهی به او نکردند. بنده که جلو ایشان ترمز کردم، بدون آنکه به راننده نگاه کند، گفت: «میدان تجریش.» گفتم: «حاج آقا سوار شوید؛ ولی کرایه دو برابر می‌شود چون من خطی و تاکسی نیستم!» سوار شد و بدون نگاه به راننده گفت: «بارک‌الله! خدا عمرت دهد. عیب ندارد، مرا برسانید کرایه مهم نیست. حدود نیم ساعت است که اینجا ایستاده‌ام، کسی سوارم نکرد.»

مقداری که رفتیم و من حرف زدم، ناگهان گفت: «صدای شما آشناست؛ آیا فلانی هستی؟» گفتم: «بلی.» چون با لباس رسمی نبودم، ابتدا مرا نشناخته بود؛ گفت: «چرا با کاپشن و کلاه؟» گفتم: «حاج آقا، هزینه‌ها زیاد شده است. برای تأمین مخارج، خیلی‌ها مسافرکشی می‌کنند. سوار کردن مسافر با این لباس، راحت‌تر است!» شیخ شوخی‌ما را جدی گرفت و باور کرد و زد زیر گریه! من سخت ناراحت شدم و گفتم: «جناب شیخ، شوخی کردم. من در اوقاتی که به دنبال کارهای شخصی روزمره و یا خرید لوازم خانه می‌روم، با این لباس هستم و قصد هم از اینکه گفتم هزینه‌ها زیاد شده و خیلی‌ها مسافرکشی می‌کنند، خودم نبودم.» لبخندی زد و گفت: «بسیار آزرده خاطر شدم. فکر کردم واقعاً مسئله حقیقت دارد. خدا را شکر که تصورم اشتباه بود.»

به میدان تجریش که رسیدیم، گفت: «به امامزاده صالح می‌روم. خیلی وقت است که به زیارت این فرزند زهرا نیامده‌ام.» توقف کردم تا استاد پیاده شود؛ ولی قبل از آن، پاکتی را که در جیبم مانده بود و نمی‌دانم چرا، درآوردم تا تقدیم کنم. لبخندی زد و گفت: «چوبکاری نفرمایید. من عادت به اخذ پاکت از هیچ کس ندارم.» گفتم: «این را که می‌دانم؛ ولی محتوای این پاکت نه از وجوهات شرعیه است، نه از اموال حکومتیه! بل از تبرعات سیدیه است و بعد می‌دانم هدیه یکی از اولاد حضرت زهرا سلام‌الله علیها را نپذیرید که بی‌شک دلش می‌شکند!» شیخ تا نام حضرت زهرا را شنید، سه بار گفت: «حضرت زهرا سلام‌الله علیها!» و باز گریست و پاکت را گرفت و گفت: «اگر نام مادر بزرگوارت را نبرده بودی، به یقین نمی‌گرفتم. من زندگی ساده و طلبگی دارم و از این پاکت هم به احترام، یک تومانش را برمی‌دارم و بقیه را با اجازه شما به کسی می‌دهم که بیشتر نیاز داشته باشد.» از درون ماشین، ریش سفید اشک‌آلودش را بوسیدم و خداحافظی کردیم. او به سوی امامزاده صالح رفت و من به سمت منزل و به امید یافتن مسافری از نوع او که متأسفانه دیگر یافت نشد!

این آخرین دیدار ما بود.

و شیخ عبدالله نورانی در ۷ آبان ماه ۱۳۹۰ در تهران به رحمت حق پیوست.

گزارشی از دیدارهای علامه طباطبائی و پرفسور کربن:

گفتگوی شرق و غرب

جناب دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، که در جلسات مباحثه استاد علامه و پرفسور کربن همواره حضور داشت و اظهار استاد سید هادی خسروشاهی که در چند نوبت در آن جلسات شرکت نموده است، برخلاف ادعای "اتهام زنده" است؛ و البته شهادت خود استاد علامه طباطبائی که در مقاله فوق آمده است، خود سندی ارزشمند است. ای کاش که "حب و بغض" شیء باعث "عمی" انسان نگردد و مخالفت با "فلسفه" هم از چهارچوب منطق و برهان خارج نشود.. و اگر "هانری کربن" که اصولاً فردی غیرسیاسی و فقط یک انسان جستجوگر حقیقت بود، "جاسوس" باشد، ای کاش که تعداد این نوع "جاسوس"ها! بیشتر می شد تا صادقانه، بدون هیچ انگیزه مادی یا سیاسی - تخریبی، مفاهیم و تعلیم اسلامی و تشیع را به زبان های زنده دنیا منتشر می ساختند... البته "ایکاش!"

اصل مقاله را در ادامه می خوانیم:

تحقیقی خود را از دست بدهم؛ یعنی کلیسا مرا از این پست خلع کند. پدر وقتی از این موضوع مطلع شد بسیار مسرور و مشعوف گردید و گفت: نگفتم این پرفسور کربن به اسلام (تشیع) مؤمن شده و رویش نمی شود که صریحاً اعتراف کند. (۹)

دکتر سید حسین نصر در کتاب "در جستجوی امر قدسی"، به سفرهای زیارتی پرفسور کربن به قم و مسجد جمکران، و حالات روحانی او در آن مکان مقدس اشاره دارد.

کربن در نظر علامه

مرحوم آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی می نگارد: "این حقیر در روز جمعه ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۹۹ هـ ق که به خدمت استاد علامه در مشهد مقدس رسیدم و در آن روز راجع به کربن نیز مذاکراتی شد، فرمایشات ایشان را ضبط کردم و فعلاً برای خوانندگان گرامی در اینجا می آورم. علامه فرمودند: مسیو هانری کربن استاد شیعه شناس دانشگاه سوربن کربن قریب یکی دو ماه است که فوت کرده و مجالس عیدیه ای راجع به تحقیق مذهب شیعه با ما داشت. مرد سلیم النفس و منصفی بود، معتقد بود که در میان تمام مذاهب جهان، فقط مذهب شیعه پویا، متحرک و زنده است؛ و بقیه مذاهب بدون استثنا عمر خود را سپری کرده و حالت ترقب و تکامل ندارند. کلیمیان و همچنین مسیحیان و زردشتیان قائل به امام و ولی زنده ای نیستند؛ و اتکاء به مبدأ حیاتی ندارند و به واسطه عمل به تورات و انجیل و زُند و اوستا اکتفا نموده و تکامل خود را فقط در این محدوده جستجو می کنند و همچنین تمام فرق اهل تسنن که فقط تکامل خود را در سایه قرآن و سنت نبوی می دانند. اما شیعه، دین حرکت و زندگی است؛ چون معتقد است که حتماً باید امام و رهبر امت زنده باشد؛ و تکامل انسان فقط با وصول به مقام مقدس او حاصل می شود؛ و لذا برای این منظور از هیچ حرکت و پویایی و عشق دریغ نمی کند.

می فرمودند: روزی به کربن گفتم: در دین مقدس اسلام تمام زمین ها و مکان ها، بدون استثنا محل عبادت است؛ اگر فردی بخواهد نماز یا قرآن بخواند؛ یا سجده کند، یا دعا کند در هر جا که هست می تواند این اعمال را انجام دهد؛ زیرا رسول الله (ص) فرموده است: "جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا" (۱۰) ولی در دین مسیح چنین نیست، عبادت فقط باید در کلیسا و در موقع معین انجام گیرد، عبادت در غیر کلیسا باطل است. بنابراین اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات مثلاً در نیمه شب در خوابگاه منزل خود حالی پیدا کرد و



هشتم مجله مکتب اسلام درج گردید که گویا به دلیل اختصار زیاد مورد تأیید علامه قرار نگرفت. این مجموعه در سال ۱۳۷۰ هـ ش تحت عنوان "رسالت تشیع در دنیای امروز" منتشر گردید. (۷)

ایمان کربن به اسلام شیعی

هانری کربن علاوه بر آن که مطالب مطرح شده در گفتگو با علامه طباطبائی را کاملاً ضبط و ثبت می نمود و در اروپا انتشار می داد و حقیقت تشیع را معرفی می کرد، خود در سخنرانی ها و کنفرانس ها به جد از این مذهب دفاع می کرد. وی در پاریس کاملاً بر این معرفی و تبلیغ اصرار داشت و معتقد بود در دنیا، یگانه مذهب زنده و اصیل که نمرده، مذهب شیعه است؛ چون قائل به وجود امام حی و زنده است و اساس اعتقاد خود را بر این می گذارد و با اتکا و اعتماد به حضرت مهدی قائم آل محمد، محمد بن الحسن العسکری (ع) است که پیوسته زنده می باشد. کربن خود به مذهب تشیع بسیار نزدیک بود و در اثر برخورد و مصاحبت با علامه طباطبائی و آشنایی به این حقایق، خصوصاً اعتقاد به حضرت مهدی دگرگونی شدیدی در او به وجود آمده بود. علامه طباطبائی می فرمود: پرفسور کربن می گفت وقتی من این مطلب (اعتقاد شیعه) را در یک سمینار و کنفرانس غرب به آگاهی شرکت کنندگان در آن کنفرانس رساندم و گفتم مکتبی است به نام تشیع و او بر آن است که در هر عصری یک انسان کامل باشد تا مجرای فیض قرار گیرد و رابطه بین خلق و خالق واقع شود، برای مجامع و محافل غرب بسیار تازگی داشت. (۸)

مرحوم مهندس سید عبدالباقی طباطبائی - فرزند ارشد علامه - نقل نمود: "یک روز بدون این که ما از پدر سؤالی کرده باشیم، رو به ما کرد و با نشاط خاصی گفت: این پرفسور کربن به اسلام (تشیع) مؤمن شده ولی رویش نمی شود که ایمانش را بر زبان جاری کند. چند روزی از این فرموده پدر گذشت؛ یک روز کربن سخنرانی جنجالی کرد و درباره حضرت مهدی سخنان پرشوری ایراد نمود و ضمن آن گفت که من به خاطر بحث درباره اسلام و رسیدن به این حقایق نزدیک بود پست

تجدید چاپ شده است.

۲- شادروان هانری کربن پس از برخورد با علامه طباطبائی و آشنائی بیشتر با معارف اسلامی، گرایش خاصی به تشیع یافت و به باور استاد علامه، مسلمان شیعی از دنیا رفت...

متأسفانه چندی پیش در یکی از فصلنامه های منتشره از "قم" هانری کربن متهم گردید که گویا با انگیزه های تجسس! با علامه تماس می گرفت و سرانجام هم علامه او را "طرد" کرد که این ادعا و تهمت، ظلم بر کسی است که از قلب غرب به مرکز فلسفه و عرفان شیعه در "قم" "سفر" می کرد و پس از کسب فیض از محضر استاد علامه طباطبائی - و سپس استاد سید جلال الدین آشتیانی - مفاهیم و تعلیم اسلام شیعی را به زبان های زنده دنیا، در غرب منتشر می ساخت...

البته ناشر محترم "اتهام تجسس" هیچگونه دلیل و مدرکی برای اثبات ادعای خود ندارد و مطلب طبق شهادت دانشمند ارجمند

خود رکن تمامی ادراک عرفانی است پی بردم. من مرتب در این محفل شرکت می کردم و از مشتاقان و اهالی این باغ تأمل گردیدم. (۴)

کربن معمولاً اوایل شهریور به ایران می آمد و اوایل دی ماه به فرانسه باز می گشت، او به مرور زمان، گرد خود حلقه کوچکی از محققان را فراهم آورده بود و از توجهی که آن جوانان به این گونه تحقیقات نشان می دادند بسیار خرسند بود. گفتگو به دو زبان بود، کربن به فرانسه سخن می گفت، فارسی را بسیار خوب می فهمید اما از آن جا که گوشش سنگین بود، جرأت حرف زدن [به فارسی را] نداشت؛ سوالاتش را به زبان فرانسه طرح می کرد که به فارسی ترجمه می شد و علامه طباطبائی به فارسی پاسخ می داد که سخنانش به فرانسه بر می گشت. بنابراین نوعی ترجمه دوسویه در کار بود. معمولاً دکتر [سید حسین] نصر کار دشوار این ترجمه دوسویه را با چیرگی تمام به انجام می رساند. (۵)



کربن در سال های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ هـ ش مصاحبه های متعددی با علامه طباطبائی پیرامون عقاید و تعلیم و تاریخ تشیع به عمل آورد که مجموع آن ها در سال ۱۳۳۹ هـ ش با توضیحات و پاورقی های لازم توسط خود علامه و به همت حجت الاسلام شهید دکتر محمد جواد باهنر و آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان "مکتب تشیع" به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه منتشر شد؛ (۶) که اثر مشهودی در معرفی شیعه در جهان بر جای گذاشت.

ادامه مذاکرات علامه طباطبائی با پرفسور کربن که در سال ۱۳۴۰ هـ ش انجام گرفت، پس از توضیحاتی (که به دستور علامه) توسط استاد سید هادی خسروشاهی و آیت الله احمد میانجی بر آن نوشته شد، با مختصری تلخیص در سال هفتم و

توضیح و تصحیح: در مورد مقاله ارزشمند منقول از ماهنامه گرانسنگ معارف (شماره ۸۸ مورخ آبان و آذر ۹۰) یکی دو توضیح کوتاه ضروری به نظر می رسد:

۱- مجموعه مصاحبه ها و یا مباحثه های علامه طباطبائی با پرفسور هانری کربن، درباره تعلیم شیعه در سال ۱۳۳۸ فقط با چند توضیح قرآنی از خود استاد علامه طباطبائی و دهها توضیح و تفصیل، توسط آیت الله علی احمدی میانجی و حجت الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی، به عنوان سالنامه "مکتب تشیع" به زبان فارسی منتشر گردید. انتشارات "مکتب تشیع" توسط آیت الله هاشمی رفسنجانی و شهید محمد جواد باهنر از قم منتشر می گردید.

این مباحثات، تا سال ۱۳۴۰ هم ادامه یافت و محصول آن تحت عنوان "رسالت تشیع در دنیای امروز" باز با توضیحات دو استاد بزرگوار، نخست از سوی "دفتر نشر" در تهران انتشار یافت و اخیراً از طرف مؤسسه "بوستان کتاب"، ضمن مجموعه آثار استاد علامه،

هانری کربن

پرفسور هانری کربن استاد فلسفه دانشگاه سوربن فرانسه و از برجسته ترین مفسران غربی حکمت معنوی و فلسفه اسلامی، چهارم آوریل ۱۹۰۳ م در پاریس به دنیا آمد. وی سال ۱۹۲۵ م در دانشگاه سوربن فرانسه لیسانس گرفت، یک سال بعد گواهینامه عالی فلسفه و در سال ۱۹۲۸ م دیپلم تبیعات عالی دانشگاه پاریس و در سال ۱۹۲۹ م دیپلم "مدرسه السنه شرقی" پاریس را اخذ نمود و در همین ایام با زبان های عربی، فارسی و پهلوی آشنا شد. کربن بعدها نزد لویی ماسینیون - اسلام شناس اروپایی - رفت و او نسخه ای از حکمه الاشراق سهروردی را به کربن داد که این عمل تأثیر روحی فراوانی بر وی گذاشت و او را راهی شرق کرد. اولین مقاله کربن در نشریه بررسی های فلسفی درباره یکی از آثار سهروردی چاپ شد و نخستین اثر مستقل وی به زبان فرانسه راجع به سهروردی در سال ۱۹۳۹ م تحت عنوان "سهروردی مؤسس حکمت اشراق" منتشر شد. (۱)

کربن مدت ها عهده دار ریاست انستیتو فرانسه و ایران بود، به همت این دانشمند حق بین بود که سهروردی، روزبهان و ملاصدرا برای جامعه فرهنگی غرب به نام هایی آشنا مبدل گردید و در جهانی که برخورد میان فرهنگ های گوناگون پیوسته با شکاف بیشتر مواجه می گردد نمونه تلاش عظیم برای تفاهم بود. (۲)

سپس پرفسور کربن چون آوازه عرفان و فلسفه مفسر کبیر قرآن، علامه طباطبائی را شنید، شیفته عظمت علمی و کمالات معنوی این سید وارسته گردید. وی که به منظور شناخت تشیع سالی چند ماه از پاریس به ایران می آمد و به پژوهش و تحقیق در مورد شیعه شناسی می پرداخت، به وسیله برخی اساتید دانشگاه از محضر علامه طباطبائی تقاضا نمود در این باره به وی کمک کند. علامه طباطبائی نیز که از فعالیت های علمی و برخی فضایل انسانی این محقق با خبر بود، درخواست وی را اجابت نمود. (۳)

باغ تأمل

یکی از پژوهشگران معاصر که در جلسه گفتگوی علامه طباطبائی و هانری کربن حضور داشته، گفته است: "در محفلی که [حلقه اصحاب تأویل] نام داشت دیدار منظم این دو شخصیت صورت می گرفت. علی رغم وجود مشکل ارتباط و صافی ترجمه، جریان میان دو بزرگوار به خوبی می گذشت. هر دو بر یک طول موج بودند و درباره سرنوشت فلسفه در ایران هم عقیده بودند. کلمه [تأویل] در آن جا زیاد شنیده می شد که می توان آن را به کشف محجوب یا تفسیر معنوی هم تعبیر کرد. بعدها بود که من به غنای شگفت این مفهوم که

۱۳- هانری کرین آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، دکتر داریوش شایگان، ص ۲۴-۴۳، مندرج در "جرعه های جانبیش"، ص ۲۹۴-۲۹۲

۱۴- مجموعه مذاکرات با هانری کرین، مقدمه علامه طباطبایی، ص ۲۴ و ۲۷ با اندکی تلخیص، مندرج در "جرعه های جانبیش"، ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

اختلاس ۳ هزار میلیاردی از نگاه استاد محمد رضا حکیمی

بزرگترین عامل فساد عمومی در جامعه است و چگونه در همه سطوح و ترازهای زندگی اثر منفی می‌گذارد و تکاثر را علت نیرومندی برای تغییر همه مقیاس‌های انسانیت و مسخ آنها معرفی می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: در زمان که مست می‌شوید(فساد گسترانیده می‌شود) اما نه از شراب بلکه از نعمت و غوطه‌وری در آن.

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: پس از من مسلمانانی خواهند آمد که خوراکیهای پاکیزه و رنگارنگ می‌خورند و از وسایل سواری استفاده می‌کنند و خانه‌ها می‌سازند و کوشک‌ها می‌افرازند و مسجد‌ها می‌آرانید... فتنه از ایشان است و کار ایشان ج ۴ ص ۱۱۰ علامه می‌گوید آنچه متکثران انجام می‌دهند آشفته‌سازی اوضاع مخالفین شان و پراکندن ولنگاری و فساد در جامعه و تحریف کردن مفاهیم دینی و تربیتی است تا از این راه، سیاست‌های اقتصادی مدنظرشان را بر مردم تحمیل کنند.

ایشان تاکید دارند که چنین افرادی را باید افشا کرد و با آنها به مبارزه برخاست: کسانی که در روی زمین آشوب و فساد و قوانین را تحریف می‌کنند و تهمد و سرکشی می‌کنند همان صاحبان ثروت‌های بادآورده و متکثران و سرمایه‌داران و شادخواران اند.

علامه تاکید می‌کند که حرمت تکاثر طلبی بیش از حرمت بی‌حجابی و شراب‌فروشی است و سپس تعبیر جالبی دارند و آن اینکه یکی از مسائلی که جامعه نباید از آن غافل باشد آن است که مبارزه با «امپریالیزم خارجی» بدون مبارزه با «امپریالزم داخلی» نتیجه و اثر چندانی ندارد.

منبع: همشهری اقتصاد

مال‌طلبی تکاثری مخالف حلال بودن آن است. از آشکارترین چیزها این است مال فراوان در نزد هیچ‌کس با مراعات اعتدال و میانه‌روی در کسب فراهم نمی‌شود. بلکه اینگونه اموال و امکانات با اموری از این دست گرد می‌آید: بخل شدید، حرص غالب، قطع رحم، غصب کردن حقوق ناتوانان و مستمندان، دزدین اموال فقیران، خیانت ورزیدن، به فسق و فجور پرداختن، طغیان و سرکشی، ندادن زکات ظاهری، خودداری از دادن زکات باطنی، چنگ اندازی به اموال دیگران، کم‌فروشی، احتکار، نزخ‌گذاری آزاد و بی‌بندبار، انحصار واردات، انحصار تولید، انحصار توزیع

امام باقر(ع) می‌فرماید: هیچ‌کس هرگز از حلال ده هزار (درهم) جمع نکرده است. ج ۴ ص ۱۷۹ علامه تاکید می‌کند که مبارزه حاکمیت با تکاثر و ثروت‌های بادآورده تنها یک مبارزه صرفاً اخلاقی نیست بلکه باید مبارزه‌ای برای نابود کردن تکاثر و زراندوزی باشد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: مال (درست و حلال) ۴۰۰۰ درهم است. ۱۲۰۰۰ درهم داشتن کنز است. از حلال ۲۰۰۰۰ درهم گرد نمی‌آید. کسی که ۱۰۰۰۰۰ درهم داشته باشد از شیعیان ما نیست. ج ۳ ص ۵۱۱

بعد حضرت علامه توضیح می‌دهد که این مال فراوان و حرام است که باعث ایجاد فساد می‌شود و به گفته ایشان چنین مالی جز در راه حرام و ایجاد فساد نیز هزینه نمی‌شود.

امام علی (ع) می‌فرماید: بدانید فراوانی مال سبب تباه شدن دین است و سخت شدن دلها.

در ذیل همین بخش علامه توضیح می‌دهد که چگونه تکاثر و زیاده‌خواهی

کمی آن نیز معتقد باشد زیرا کم و کیف در اقتصاد متلازم یکدیگرند.

مال در اسلام داراری موضعی محدود و چارچوبی معین است که با آزادی و نامحدود بودن در تضاد است. هدف جامعه اسلامی قائم به قسط است و به همین دلیل از لحاظ کمی و کیفی برای مال محدودیت قائل است. علامه در جای دیگری تاکید دارد که این است مغز آنچه امام سجاد در رساله حقوق معروف درباره حقوق مال به ما می‌آموزد: از جمله حق‌هایی که خود مال بر تو دارد این است که آن را از جایگاهش منحرف نسازی و از چگونگی حقیقتش دور نکنی.

و سپس می‌نویسند: چگونه ممکن است که این مواضع الهی و محدود مال با مالکیت آزاد تکاثری و تصرفات اترافی و مصرف‌های جهنمی که حد و مقدار ندارد قابل جمع باشد. و آنچه به حق مایه تاسف است این است که دسته‌ای می‌خواهند به مردم باور دهند که آنچه می‌کنند با دین سازگار است کسانی نیز هستند که در این فریبکاری آنان را تأیید می‌کنند خواه از روی غفلت یا با طرفداری مغرضانه.

علامه حکیمی در الحیات انحراف مال را از ۲ طریق می‌داند. یکی نحوه کسب آن و دیگری نحوه توزیع آن. ایشان توضیح می‌دهند که اگر طریق کسب مال پیرو آن چیزی می‌شد که خدا آنرا معین کرده است قسمت انسانی نیز متناسب با قسمت الهی می‌گردید و همان اندازه مقرر شده از مال باقی می‌ماند و ظلم و انحصار در آن تأثیری نداشت و فقر و تکاثری پدید نمی‌آمد.

حسب آنچه در احادیث و روایات مجموعه الحیات آمده است زیاده‌خواهی در کسب مال جز از طریق ستم و غصب حق دیگران و بهره‌کشی و احتکار و ربا و دروغ و فریب و کم‌فروشی و بالا بردن نرخ‌های ساختگی و نظایر اینها کسب نمی‌شود.

اما مرحله دیگر توزیع است که در آن مواهب طبیعی و امکانات معیشتی میان مردم توزیع می‌شود. علامه تاکید دارد که در این مرحله نیز بیشترین ظلم‌ها و ستم‌ها شکل می‌گیرد چرا که توانگران مستکبر و طاغوت‌های اقتصادی مترصد این مرحله هستند تا نعمت‌ها و مواهب اجتماع و معادن و کالاها و تعیین نرخ‌ها و فرآورده‌ها در اختیار آنها قرار گیرد.

نهایتاً اینکه مال فراوان نتیجه قسمت الهی و مشروع و عادلانه نعمتها و مواهب نیست و با مقیاس‌های برحق مطابقت ندارد بلکه نتیجه عمل مغشوش انسانی و پرداختن به کارهای نامشروع است.

استاد حکیمی سپس تاکید می‌کند که هر حکومتی که در قانون‌گذاری و اجرا دست متجاوزان در مالکیت خارج از حرام را قطع نکند ناگزیر به عدوان و تجاوز کمک کرده است.

ایشان پس از ذکر مجموعه‌ای از روایات توضیح می‌دهد که مال حلال، فراوان و روی هم انباشته نیست. چون به دست آوردن آن سختی و زحمت دارد.

اولین قدم‌های اساسی در اجرای قوانین ضدپولشویی را بردارد چه آنکه خود این قوانین نیز ضعف‌های بسیاری دارد و تا رسیدن به اصول اسلامی در نظارت بر مالکیت‌ها و حقوق متقابل افراد و جامعه راه بسیاری وجود دارد.

اختلاس اخیر از همین حیث قابل ارزیابی است. اینکه این فساد چگونه شکل گرفت و چه کسانی در آن مقصر بودند و چه باید کرد تا مجدداً چنین ضایعه‌ای شکل نگیرد یک سویه داستان است. نکته مهمتر این است که جامعه به دلیل بی‌توجهی به برخی احکام اسلامی و تأکیدات دینی در اقتصاد آستن چنین فساد‌هایی است.

نکته مهمی که در ماجرای اختلاس اخیر کمتر مورد توجه قرار گرفت سابقه درآمدی متهم اصلی است. سابقه‌ای که اگر این فساد شکل نگرفته بود، برای برخی افراد سطحی و ظاهر بین یک امتیاز تلقی می‌شد.

حسب آنچه گزارش شده است مجرم اصلی این پدیده شوم ۴۷۰۰ میلیارد تومان دارایی دارد. این در حالی است که وی در اوائل دهه ۸۰ با فروش گاوداری خود به مبلغ ۲۰ میلیون تومان وارد کاسبی و تجارت شده است و طی ده سال بیش از ۴۷۰۰ میلیارد تومان ثروت بهم زده است.

علامه محمد رضا حکیمی در الحیات، منشا فساد‌هایی چون اختلاس را در همین نقطه می‌بیند. توجه به این موضوع برای دست‌یابی به مدلی برای پیشگیری از چنین سطحی از فساد و بلکه بالاتر از آن یعنی صیانت از اقتصاد ملی و عدالت اسلامی اهمیت دارد.

علامه محمد رضا حکیمی در جای‌جای الحیات نسبت به همین موضوع تذکر می‌دهد و تاکید دارد که مال حلال هیچگاه در این حجم و به این سرعت جمع نمی‌شود و اگر بود نظامی کارآمد و حسابرس و ناظر، که هم بر نحوه کسب درآمد افراد اشراف داشت و هم کسب مالیات‌ها و هم فرهنگ‌سازی در موضوع حد و حدود مالکیت‌ها، هیچگاه چنین پول‌هایی یک‌جا در دست عده‌ای خاص جمع نمی‌شد.

به همین دلیل است که حضرت علامه پس از ذکر حدیثی از امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: مال چهار هزار درهم است. دوازده هزار درهم گنج است و بیست هزار درهم از حلال جمع شدنی نیست. (ج ۳ ص ۲۲۹) تاکید می‌کند که بنابر تعلیماتی که از ائمه اطهار به ما رسیده شایسته است به مال فراوان به چشم احتیاط یعنی شک کردن در حلال و مشروع بودن آن نگاه کنیم.

ایشان همچنان درباره اعداد و ارقام ذکر شده در این قبیل روایت نیز توضیح می‌دهد که مقادیر یاد شده در احادیث برحسب زمان و هر شهر ارزیابی و با واحد پول رایج آن زمان تعیین می‌شود به شرطی که به آن اندازه نرسد که در عرف رایج به مال فراوان شهرت پیدا کند.

علامه توضیح می‌دهد که علم فقهی که شماری از کسب‌ها را حرام می‌شمرد و معتقد به محدود بودن کیفی مالکیت است ناگزیر باید به محدودیت

امروزه کشورهای توسعه یافته به موضوع پولشویی و یا به تعبیر اسلامی و عام آن «حرام خوری» حساسیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. حساسیت به این موضوع صرفاً از حیث کسب مال نامشروع و فرار از چنگال قانون نیست بلکه بیشتر به اثر منفی پول کثیف بر اقتصاد ملی توجه دارد.

پولی که از راه‌های نامشروع کسب می‌شود هم خاصیت خودافزایی دارد و هم اینکه به سرعت منشا فساد می‌شود. از این رو امروزه در بسیاری از کشورها نسبت به منشا درآمد افراد حساسیت ویژه‌ای پیدا شده است و فرآیند کسب درآمد‌ها برای نهاد‌های نظارتی کاملاً شفاف است. اشراف دولت‌ها بر درآمد و دارایی افراد نه تنها ضدفساد عمل می‌کند بلکه مکانیزمی مطمئن برای رعایت حقوق دولت‌ها و درآمد‌های مالیاتی است.

در اسلام و فقه اقتصادی به این مساله با دقت بیشتری توجه شده و نسخه تکامل یافته بسیاری از قوانینی که غرب امروزه به آن رسیده است را می‌توان در توصیه‌های اکید ائمه معصومین در اقتصاد ملاحظه کرد. چه آنکه اصرار امروز کشورهای غربی برای نظارت بر منشا درآمد‌ها و تاکید بر پرداخت حقوق اجتماعی و مالیاتی، بیش از آنکه پشتوانه‌های اخلاقی و انسانی داشته باشد، تلاش برای پایدار نگه داشتن نظام سرمایه‌داری است تا از درون و از طریق فساد‌های پیچیده و تو در تو مضمحل نشود هرچند نظام امپریالیزم سرمایه محکوم به این سرنوشت است.

اما نگاهی که اسلام به منشا کسب درآمد و حقوق مالکیت دارد با هدف تکریم انسانی و مراقبت‌های اجتماعی و جامعه‌سازی اسلامی و عادلانه است. یکی از منابع بسیار غنی و ارزشمند در تبیین نگاه اسلام به اقتصاد و تاکید بر عدالت در تولید و توزیع درآمد‌ها مجموعه احادیث مجلدات ارزشمند و نفیس الحیات است که توسط علامه محمد رضا حکیمی خراسانی فقیه اصولی و اسلام شناس راستین و عدالت‌خواه حقیقی جمع‌آوری و تحلیل و تبیین شده است.

یکی از مواردی که علامه حکیمی در مجموع ۸ جلدی الحیات و بالاخص در مجلدات ۳ تا ۶ بر آن تاکید دارد، همین کسب مال حلال و مقابله با تکاثر طلبی است.

استاد حکیمی با استناد به احادیث و روایات توضیح می‌دهد که کسب مال فراوان در کوتاه مدت از مسیر حلال جمع نمی‌شود. استاد حکیمی در الحیات تاکید دارد که اولاً ملاحظات مربوط به راه کسب مال حلال چیست و ثانیاً حقوق حقه‌ای بر گردن صاحبان درآمد وجود دارد که اجازه نمی‌دهد مال و ثروت با این وسعت و سرعت در دست عده‌ای خاص تجمع و تمرکز یابد و این همان موضوعی است که امروزه نظام‌های غربی با تاکید بر قوانین پولشویی تلاش دارند به آن برسند.

جامعه ما علیرغم اینکه از حیث قوانین اسلامی می‌بایستی پیشرو در این موضوع باشد اما نتوانسته است حتی



با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار می‌شه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت محک با پرداخت ماهیانه حداقل هزار تومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان بپیوندید. اسامی موخواهیم بگویم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می‌کنیم: ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه از بالغ بر ۱۶۷۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. و فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم فقط هزار تومان به محک کمک کنید، می‌توانیم ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از ارزشمندترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.

برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۲۳۵۴۰ تماس بگیرید.



برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق و شجاعت با شماره تلفن ۰۲۱۰ ۲۳۵۰۰۰۰ تماس حاصل فرمایید. از اینکه به پیام ما توجه کردید بسیار متشکرم.

در گفتگو با حسن اسدی تبریزی

فلسفه و حکمت در تبریز

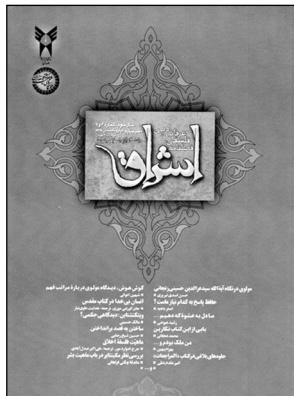
خواجه رشیدالدین فضل ... همدانی را داریم که علاوه بر طب و تاریخ نویسی به فلسفه و کلام نیز علاقه دارد و برخی آثار فلسفی - کلامی نیز به رشته تحریر درآورده است اما مهم ترین شخصیت فلسفی ساکن تبریز در این دوره قطب الدین شیرازی، شارح حکمت الاشراق سهروردی، است.

در مورد جایگاه فلسفه در تبریز دوره ایلخانی آقای دکتر پورجوادی مجموعه خطی "سُفینه تبریز" را به عنوان بهترین شاهد برای این امر معرفی می کند و می افزاید که سُفینه تبریز نشان می دهد که تبریز در دوره ایلخانی مرکزی برای فعالیت های فلسفی بوده است، اما به نظر اینجانب اهمیت سُفینه تبریز بیشتر از بعد ادبی است (البته این فقط نظر بنده نیست به عنوان نمونه استاد دکتر اصغر دادبه در دایره المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۴) می نویسند که "... وجه بارز این سُفینه وجه ادبی آن است..." (ص ۴۶۰)؛ سُفینه تبریز در بعد فلسفی فقط نشان می دهد که کاتب سُفینه تبریز و یا فضلاء هم عصر او در میان آثار فلسفی بیشتر به آثار فلسفی - عرفانی علاقه داشته اند و از این رو از کل آثار ابن سینا فقط

اشارات و تنبیهات وی، که صبغه ای عرفانی دارد، در سُفینه تبریز کتابت شده است و از مجموعه آثار سهروردی فقط رساله های فارسی شیخ ، که رساله های عرفانی و رمزی به شمار می آیند، در این مجموعه درج شده است و هیچ اثر فلسفی از شخصیت های تبریزی در این مجموعه نیامده است. این نکته را هم بیفزایم که در میان چند تاریخ فلسفه ای که تاکنون نوشته شده و اکثر آنها به فارسی ترجمه شده

اند فقط در تاریخ فلسفه اسلامی به کوشش سید حسین نصر و الیور لیمن به فلسفه اسلامی در آذربایجان و تبریز و برخی از مطالب فوق اشاره شده است؛ البته مؤلفین این تاریخ فلسفه نکته جدیدی بر این بحث نیفزوده اند و صرفاً مطالب استاد دکتر نصرالله پورجوادی را تکرار کرده اند و می توان گفت دکتر پورجوادی اولین محقق است که به این موضوع پرداخته است و هنوز جای تحقیق و پژوهش درباره آن زیاد است و این موضوع در آینده باید با دقت بیشتری پیگیری شود.

از قرن هفتم و هشتم به دوره معاصر می آییم. در دوره معاصر به ترتیب سه شهر اصفهان، تهران و قم مراکز اصلی حوزه فلسفه اسلامی به شمار می آیند اما با وجود این، دو نفر از بزرگ ترین حکیمان معاصر اهل تبریز و آذربایجان هستند هرچند که در تبریز حوزه درس فلسفه نداشته اند؛ آن دو حکیم، اولی آقاعلی مدرّس زنوزی است و دومی علامه سید محمدحسین طباطبایی تبریزی. برخی از شخصیت های ساکن در تبریز نیز بوده اند که درس فلسفه می گفته اند و مشرب فلسفی داشته اند که به نظر اینجانب مهم ترین آنها مرحوم آیت الله میرزا رضی زنوزی مشهور به فیلسوف، مرحوم آیت الله سید محمد حسن الهی (برادر علامه طباطبایی) و مرحوم آیت الله سید مرتضی مستنبط غروی بوده اند. از شاگردان درس فلسفه علامه طباطبایی نیز در تبریز فقط مرحوم آیت الله سیدابوالحسن مولانا را می شناسیم . ایشان مدت شش سال در درس علامه طباطبایی شرکت کرده بودند و بعد به تبریز برگشته و تا پایان عمر در تبریز ساکن بودند و در مسجد استاد و شاگرد اقامه نماز می کردند و تفسیر می گفتند و گاهی اوقات دروس اعتقادی نیز برای جمعی از



برای شروع لطفاً به پیشینه فلسفه و حکمت در تبریز اشاره کنید.

در پاسخ به این سؤال اگر از پیشینه فلسفه و حکمت در آذربایجان سخن بگوییم وضع به گونه ای خواهد بود و اگر از پیشینه حکمت و فلسفه در تبریز سخن بگوییم وضع به گونه ای دیگر خواهد بود. در آذربایجان از قرن ششم هجری می توانیم رد پای فعالیت های فلسفی را بیابیم. در این قرن شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق را داریم که متولد سهرورد نزدیک زنجان است و به حوزه جغرافیایی آذربایجان تعلق دارد. همچنین قرآنی در دست داریم که در این قرن در مراغه حوزه فلسفی وجود داشته است؛ شهاب الدین سهروردی و فخرالدین رازی در این قرن به مراغه رفته و در حوزه درسی مجدالدین جیلی (اهل گیلان) شرکت می کنند و این نشان می دهد که در مراغه حوزه فلسفی وجود داشته است چرا که دو تن از نام داران حکمت و کلام یعنی سهروردی و فخر رازی جهت تحصیل این شهر را انتخاب می کنند. از زندگی و موقعیت علمی مجدالدین جیلی چیز زیادی نمی دانیم اما چون دو شخصیت بزرگ جهان اسلام به محضر درس وی شتافته اند می توان چنین استنباط کرد که موقعیت علمی وی برجسته بوده است.

از قرآن دیگر بر وجود حوزه فلسفی در مراغه وجود مجموعه ای خطی است که در فاصله سال های ۵۹۶-۷ در مراغه کتابت شده است. در این مجموعه خطی حدود بیست رساله فلسفی و منطقی از ابوحماد غزالی، ابن سینا، مجدالدین جیلی و دیگر حکما گردآوری شده است. این مجموعه ی خطی چند سال پیش تحت عنوان "مجموعه فلسفی مراغه" به کوشش و با مقدمه دکتر نصرالله پورجوادی از طرف مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد. ولی متأسفانه تاکنون از سوی محققان و پژوهشگران مورد توجه جدی قرار نگرفته است و در مورد رساله های مندرج در آن تحقیق و بررسی کافی نشده است. اهمیت شهر مراغه در حوزه فعالیت های فلسفی در قرن هفتم به واسطه حضور خواجه نصیرالدین طوسی و برخی دیگر از حکما به اوج می رسد که اکنون محل بحث ما نیست. در قرن هفتم حکیم دیگری را می شناسیم به نام عبدالقادر اهری که در کلبر و اهر فلسفه و حکمت تدریس می کرده است و جماعتی از محضر درس او استفاده می کرده اند. عبدالقادر اهری اثری در فلسفه و حکمت به نام "ألبغه فی الحکمه" تالیف کرده است که اخیراً ترجمه آن توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شده است. آقای دکتر پورجوادی وی را نخستین فیلسوف اشراقی پس از سهروردی معرفی کرده است اما نظر اینجانب غیر از نظر استاد دکتر پورجوادی است و در مقاله "عبدالقادر اهری و شیخ اشراق" (که یک بار در ارج نامه دکتر ابراهیمی دینانی با عنوان خرد و خردورزی و صورت کامل و نهایی آن در دفتر سوم مجله اشراق منتشر شده است) به تفصیل در این باره سخن گفته ام و به نقد نظر استاد پورجوادی پرداخته ام. در این مقاله نشان داده ام که عبدالقادر اهری از شیخ اشراق تأثیر پذیرفته اما پیرو کامل شیخ اشراق نیست.

اما پیشینه فلسفه و حکمت در تبریز. تبریز پیش از دوره ایلخانان در هیچ دوره ای مرکز فلسفی نبوده است و در تاریخ فلسفه اسلامی هیچ موردی درخصوص وجود حوزه فلسفی در تبریز گزارش نشده است. در عصر ایلخانان و از سال ۶۶۳ هـ. ق که تبریز به عنوان پایتخت حکومت ایلخانی انتخاب شد بالطبع تبریز به مرکزی برای فعالیت های علمی و فرهنگی و ادبی و فلسفی تبدیل شد. در این دوره



باید یکی از نهادهای فرهنگی استان از فعالیت فلسفی حمایت کند تا بعد بتوانیم درباره راه کارها و برنامه ها صحبت کنیم.

و در پایان شرح یک تجربه ، درباره مجله اشراق بگویید. چه شد که به فکر انتشار این مجله افتادید و تا به حال چند شماره از این مجله منتشر شده و جایگاه این نشریه را در بین نشریات حوزه اندیشه چگونه می بینید؟

مجله اشراق در واقع با دغدغه رشد فلسفه و حکمت در تبریز شکل گرفت. من به عنوان شخصی که به فلسفه علاقه مند بودم می دیدم که بسیاری از افراد جامعه از فلسفه و حتی اسم آن فرار می کنند و عده بسیاری دیدگاه و نظر منفی به آن دارند بنابراین تصمیم گرفتم به نوبه خودم کاری کنم و به این نتیجه رسیدم که باید نشریه ای منتشر کنیم و مجله اشراق حاصل این دغدغه است که با حمایت و مساعدت آقای دکتر عزیز جوانپور و مجموعه دانشگاه آزاد اسلامی تبریز و راهنمایی و مشاوره و حمایت استادان بزرگ فلسفه و عرفان و ادبیات کشور به خصوص استاد دکتر دادبه منتشر شده و فعلاً نیز تداوم دارد.

تا کنون چهار دفتر از مجله اشراق منتشر شده است و انشاء الله به زودی دفتر پنجم مجله را نیز منتشر خواهیم کرد. مجله اشراق در میان اساتید و صاحب نظران فلسفه و حکمت و ادبیات با استقبال خوبی مواجه بوده و در برخی از شهرها از جمله تهران، قم، مشهد، کاشان و شیراز مخاطبان زیادی یافته است. همچنین بزرگانی چون استاد سید هادی خسروشاهی، دکتر هادی عالم زاده، استاد کریم زمانی، استاد عبدالله انوار، استاد بهاءالدین خرمشاهی و دکتر سیروس شمیسا با نامه یا تماس تلفنی به تداوم انتشار مجله اشراق تأکید کرده اند و کیفیت مجله را خوب ارزیابی کرده اند؛ حتی استاد خسروشاهی تعبیر بی نظیر یا کم نظیر را درباره مجله به کار برده اند.

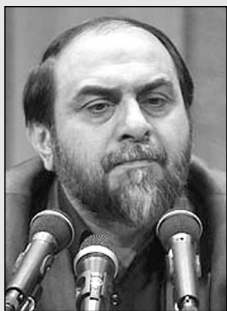
امیدوارم بتوانیم این مجله را با کیفیت خوب تداوم دهیم.

مراکز پخش و فروش مجله اشراق

- تبریز، کتابفروشی دهخدا (خیابان طالقانی، بالاتر از مصلی)، کتابفروشی شایسته (روبروی ارک)، کتابفروشی سپهر (خیابان ارتش شمالی)، کتابفروشی شهید شفیع زاده (روبروی تربیت)
- تهران، انتشارات توس، انتشارات حکمت، کتابفروشی انجمن حکمت (خیابان نوفل لوشاتو)، نشر چشمه (زیر پل کریم خان)، شهر کتاب
- نیاوران (نیاوران، روبروی کامرانیه)، کتابفروشی کاوه (اول کارگر شمالی، پاساژ صفوی)، انتشارات کتابخانه طهوری (روبروی دانشگاه تهران)
- قم، کلبه شروق ۰۲۵۱۷۷۳۶۴۲۴
- اندیشه؛ خانه کتاب قم، ۰۲۵۱۷۷۴۰۳۷۸
- مشهد، انتشارات امام، ۰۵۱۱۸۴۳۰۱۲۷
- کاشان، خانه کتاب کاشان، ۰۳۶۱۴۴۵۰۳۱۳
- زنجان، کتابکده فرهنگ، ۰۲۴۱۳۲۲۴۵۱۶
- یزد، کتابفروشی آگاه، ۰۳۵۱۷۲۵۰۳۶۷
- همدان، کتابفروشی ایران زمین، ۰۸۱۱۸۲۶۲۹۵۴
- اصفهان، فرهنگسرای اصفهان، ۰۳۱۱۲۲۰۴۰۲۹
- ایلام ، کلبه کتاب ققنوس
- شیراز، کتابفروشی هاشمی، تلفن ۰۷۱۱۲۲۲۵۶۶۹

روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح

کوتاهی کرده است



یک استاد دانشگاه تأکید کرد: روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح کوتاهی کرده و لازم است که روحانیت آگاه و اندیشمند در عرصه جنگ نرم به صحنه بیاید و مسائل را اصلاح کند. حسن رحیم پور ازغدی استاد دانشگاه که در دومین همایش روحانیون رزمنده و بسیجی سخنرانی می‌کرد، با یادآوری حضور روحانیون در خط مقدم دوران دفاع مقدس اظهار داشت: حضور این روحانیون معنای آیات جهاد و شهادت را تا عمق جان رزمندگان نفوذ می‌داد. این روحانیون مسیر تاریخ را عوض کردند.

وی افزود: ظهور یک نسل طلبه و روحانی مجاهد و سعادت طلب که فقط حرف نمی‌زند بلکه خود پیشاپیش دیگران حرکت می‌کند، تاریخ ساز شده و همین امر موجب شد که امام (ره) با آن عشق از این طلاب سخن بگوید.

این استاد دانشگاه در تقسیم بندی سخنان خود به حضور روحانیون در جنگ سخت و جنگ نرم ادامه داد: همانطور که روحانیت در جنگ سخت روسفید شد، می‌تواند در جنگ نرم نیز روسفید بیرون بیاید. رحیم پور ازغدی تأکید کرد: حوزه‌ای که جهاد نکند، گرفتار ذلت می‌شود و آن حوزه‌ای که گفت با سیاست کاری ندارد، گرفتار سیاست آمریکا و دربار شد و آنها را مجبور کرد که خلع لباس شده و ناموسشان بی حجاب شود. اگر روحانی با سیاست کار نداشته باشد، دشمنان به سراغ روحانی می‌آیند و مکه و مدینه و کربلا را زیر چکمه‌های خود می‌گیرند.

وی ادامه داد: ترک جهاد موجب از بین رفتن دین، دنیا، اقتصاد، سیاست و ... می‌شود و پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید هر که در طول زندگی جهاد نکرده و یا آرزوی جهاد نکند، منافق بوده است. وی افزود: نمی‌شود حرفی از حقیقت زد و برای آن جعل و تلاش عملی و نظری نکرد؛ کسانی که به دنبال پیروزی فقط دعا می‌خوانند، به خود خداوند دروغ می‌گویند و این برخلاف قوانین عالم هستی است.

این صاحب نظر فرهنگی و دینی با یادآوری جنگ نرم دشمن گفت: امروز دیگر در عرصه نبرد آربی چی و اسلحه در کار نیست، هر چند که اگر روزی جنگ سخت دیگری در پیش باشد، باز ما در صحنه هستیم اما امروز در عرصه دفاع نرم افزاری، تفکر و در قالب جنگ نرم به کیان اسلام و شرع و مبانی دینی ما حمله می‌شود و کسی نیست که به طور کامل از آن دفاع کند. امروز ده‌ها کانال ماهواره تبلیغ وهابیت و ده‌ها هزار سایت علیه مبانی اسلام و انقلاب فعالیت مستقیم و مستمر دارند و این در حالی است که نیمی از جمعیت ما با رسانه‌ها در ارتباط هستند.

وی در ادامه سخنان خود با مقایسه تطبیقی روحانیت اسلام و روحانیت کلیسا خاطر نشان کرد: طبق بررسی‌های تحقیقی انجام شده مشخص شده است اغلب کسانی که از اسلام برگشتند، از جاهلان بودند، یعنی این طور نبوده است که اسلام را فهمیده باشند و آنگاه از اسلام برگردند ولی اغلب کسانی که از سایر ادیان برگشتند، از طبقه عالم بودند، به عبارتی دیگر هر که نسبت به مبانی غلط ادیان دیگر آگاه شد.

رحیم پور ازغدی ادامه داد: وظیفه ما در حوزه علمیه این است که نباید اجازه دهیم که معارف دین بوی کهنگی بگیرد، زیرا برخی از جوانان ما امروز با حرف‌های نو و اکثر اغلط دیگران سر و کار دارند، گمان می‌کنند که روحانیت از حرکت دنیا عقب مانده است که باید آن را اصلاح کرد.

وی همچنین با بیان اینکه باید با بدعت‌ها مقابله شود، گفت: از سوی دیگر نباید هر آنچه را در دین هست، غیر دین معرفی کنیم، چرا که ما داشتیم روحانیون برجسته‌ای را که از بخشی از دین اطلاع نداشتند، بنابراین نباید به دلیل ناآگاهی از همه زوایای دین حرف‌های دیگران را بدعت تلقی کنیم و آن را غیر دین بدانیم.

وی خاطر نشان کرد: متأسفانه کسانی هستند که با برداشت غلط از یک حدیث که در آن کلمه "باهتو" وجود دارد، خود را مجاز می‌شمارند که به دیگران بهتان بزنند. دروغ می‌گویند و افراد را بی‌آبرو می‌کنند. در حالی که معنای باهتو در حدیث مبهوت کردن علمی و عقلی است. برخی هستند که اگر با کسی کینه شخصی دارند، او را بدعت گذار معرفی می‌کنند و به او دروغ می‌بندند و توجیه می‌کنند که هدفشان مقدس است، بهتان، تهمت و دروغ اشکال ندارد و این کلمه "باهتو" را بهانه قرارداده است لذا اگر جامعه‌ای به این مرض گرفتار شود دیگر نمی‌شود حرف عقل را در آن جامعه زد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحولات منطقه و خیزش‌های اسلامی منطقه تأکید کرد: جنگ نرم فقط این نیست که دشمن در قالب جنگ نرم به ما حمله کند بلکه این ما هستیم که به وسیله قدرت نرم خود منطقه را تحت تأثیر قرار دهیم. بیشترین جمعیت مسلمان جهان در شهر آفریقا قرار دارد که هیچگاه به وسیله جنگ سخت مسلمان نشدند بلکه آنها با گفتمان، اخلاق و عدالت اسلام را پذیرفتند که اغلب از طریق ایرانیان مسلمان این کار انجام شد.

وی افزود: مثلاً در اندونزی و چین اینها با جنگ سخت مسلمان نشدند بلکه با جنگ نرم انقلاب اسلامی و در عرصه ارتباط علمای اسلام و شیعه اسلام را پذیرفتند.

ازغدی با تأکید بر اینکه قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران امروز ساختارهای غلط دنیا را به هم ریخته است، گفت: تمام دستگاه‌های رسانه‌ای دشمن اعم از غرب و وهابيون هجوم خود را علیه شیعه به کار برده‌اند و شیعیان را بدعت گزار معرفی می‌کنند بنابراین ما باید تعریفی اخلاقی از شیعه را به ملت‌های مسلمان و آزاده جهان ارائه دهیم امروز دنیا بیش از هر چیز دیگر تشنه اخلاق و روش زندگی درست است و آنها بر اساس فطرت می‌توانند از میان روش‌های مختلف بهترین روش را انتخاب کنند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: روحانیت در تبدیل آیات و روایات به روش زندگی صحیح کوتاهی کرده است لازم است که روحانیت آگاه و اندیشمند در عرصه جنگ نرم به صحنه بیاید و مسائل را اصلاح کند.

رحیم پور ازغدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: با تحقیقات فراوانی که انجام شده می‌بینیم، هر کجا که علیه دین اقدام می‌کنند، به دلیل تجربه تلخ کلیسا در غرب بوده باید توجه کنیم که روحانیت کلیسا چه کرد که ریشه دین را در جامعه غرب زد؟ و چه کرد مردم را دشمن دین کرد؟ ازغدی در خاتمه گفت: اگر به تعالیم شیعه واقعا عمل شود، ولله در جنگ نرم دشمن شکست نخواهیم خورد بلکه پیروزیم.

حجت الاسلام فاطمی نیا:

حضرت آیت الله مرعشی، فقیه و مجتهدی جامع بود

همت عجیبی داشت و با همت عالی توانست به چنین جایگاه و مقامی برسد مرجعی که کتاب شناس، رجالی، آگاه به تاریخ اسلام و اشعار عرب و انساب و ... بود.

وی در توصیه ای به طلاب بیان داشت: برای بدست آوردن همت عالی باید مراقب نفس خود باشیم تا نفس جولانگه هر امری و خط خطی نشود.

حجت الاسلام فاطمی نیا اضافه کرد: طلاب و فضلا برای بدست آوردن همت عالی و مراقبت از نفس باید ریاضات شرعیه مورد تأیید اسلام مانند روزه و نماز مفصل و ... را داشته باشند.

وی تأکید کرد: ریاضات‌هایی که منجر به درست کردن دکان و سوء استفاده است مورد تأیید اسلام نیست و انسان را به اهداف متعالی نمی‌رساند.

حجت الاسلام فاطمی نیا بیان داشت: افرادی مانند حضرت آیت الله مرعشی و امام (ره) و روح عالی داشتند و روح وقتی متعالی شد سختی‌های جسمی بر او آسان می‌شود. وی با تأکید بر لزوم استفاده بهینه از عمر تأکید کرد: حضرت آیت الله مرعشی یک نفر بود اما خدا عالم را دور او جمع کرد.

وی در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: با تعالیم پیامبر (ص) و اهلبیت (ع) است که قلوب مرده زنده می‌شود و غیر از این تعالیم دل زنده نمی‌شود.

رییس پژوهشکده حکمت اسلامی هشدار داد:

رشد بازار جن گیری و معنویت‌های کاذب در جامعه‌ای که قرار بود مدینه فاضله شود

رسیدن به این معرفت بوده است، چنانچه در عرفان‌های دیگر چنین هدفی وجود ندارد؛ عرفان اسم خاص عرفان اسلامی است، اما چون با محدودیت ترجمه مواجه هستیم، اسم معنویت‌های نوظهور را عرفان‌واره می‌گذاریم که نه مطابق با هدف و نه مطابق با ماهیت آنها است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: هیچ عرفانی در دنیای جدید به معنای حداکثری عرفان اسلامی که خدا را تنها در عبادت محصور نمی‌کند و او را در همه جام‌مصور است، وجود ندارد؛ چرا که عقل خاکی می‌شود و اگر خدایی هست هیچ واکنشی نسبت به دیگران و عالم نشان نمی‌دهد.

وی با بیان این که در عرفان‌های نوظهور، آن خدایی که در تفکر سنتی مدنظر است، به چشم نمی‌خورد، ویژگی اصلی عرفان‌واره‌ها را غیاب خدا عنوان و تصریح کرد: معنویت نوظهور نوعی تفکر انتزاعی است که با مفاهیم عرفان نظری سر و کار ندارد؛ تنها با مسایل وجودی انسان مانند غم، غصه و ناکامی‌ها سر و کار دارد و می‌خواهد برای آن راه‌حلی نشان دهد.

حجت الاسلام قائمی نیا با اشاره به این که در کشور عرفان وجود دارد، اما بین آن چیزی که در جامعه به عنوان عرفان معرفی می‌شود با مراکز رسمی که عرفان را تدریس می‌کنند، فاصله بسیار است، بر حرکت به سمت تبیین و تدریس عرفان وجودی که در حل مشکلات بشر امروزی دخالت دارد، تأکید کرد.

وی همچنین عرفان‌های جدید را به عرفان‌های طبیعت‌گرا و عرفان‌های اومانیست که هر دو به نوعی انسان و مسایل وجودی انسان را محور تحلیل‌ها قرار می‌دهند، تقسیم کرد و گفت: جدال عرفان‌های جدید با عرفان‌های سنتی نکات آموزنده‌ای دارد که صرفا نباید با بحث کلامی مشکلات آن را حل کرد.

رییس پژوهشکده حکمت اسلامی با رد هرگونه جدال بین عرفان‌های جدید و سنتی خواستار بررسی معایب عرفان‌های سنتی شد و اظهار داشت: حوزویان همان‌طور که معایب عرفان‌های جدید را مورد بررسی قرار می‌دهند، عرفان برگرفته از اسلام را ترویج کنند که از لحاظ ادبیات و محتوا بتواند مشکلات بشر جدید را حل کند.

استاد حوزه علمیه قم تأکید کرد: آیت الله مرعشی نجفی نه تنها فقیه و مجتهد بود بلکه در سایر شاخه های علوم نیز تبحر داشت.

به گزارش مهر، حجت الاسلام والمسلمین عبدالله فاطمی نیا در مراسم بزرگداشت بیست و دومین سالگرد ارتحال حضرت آیت الله مرعشی نجفی که با حضور رئیس مجلس در حسینیه آن مرحوم برگزار شد اضافه کرد: ابر و باد و مه و خورشید و ... همه ذرات عامل باید دست در دست همدیگر بدهند تا شخصیت‌هایی مانند آیت الله مرعشی و امام (ره) تربیت شوند.

وی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیت الله مرعشی اظهار داشت: ایشان شخصیت جامعی داشت و در درجه اول فقیه و مجتهد بود اما در رجال و درایه، تاریخ، تفسیر و علم انساب و ... نیز صاحب نظر بود.

فاطمی نیا بیان داشت: حضرت آیت الله مرعشی به جمع کردن کتب و مطالعه آنها عشق داشت و بسیاری از کتب فریقین را به صورت موضوعی کتابشناسی کرده بود. وی افزود: حضرت آیت الله مرعشی نجفی و به دنبال ایشان فرزندان بزرگوار وی، آیت الله سید محمود زحمات فراوانی برای ایجاد این کتابخانه کشیده‌اند که بیان این زحمات نیازمند بیش از ده سخنرانی است.

استاد حوزه علمیه قم ادامه داد: آیت الله مرعشی

حجت الاسلام علیرضا قائمی نیا، در نخستین نشست علمی علل پیدایش و گسترش عرفان‌واره‌ها و راهکارهای مقابله با آن به ارائه تحلیلی از فرایند شکل گیری معنویت‌های نوظهور و علت‌های پیدایش عرفان‌های راست اندیش و عرفان‌های انحرافی پرداخت.

وی وارد کردن معنویت‌های نوظهور را در کشف حقیقت عرفان‌واره‌ها مؤثر ندانست و با قائل بودن تفاوت بین شیطان‌پرستی، صوفیه و معنویت‌های جدید، اظهار داشت: حساب فرقه‌های قدیمی از فرقه‌های نوظهور جدا است و نباید آن را در پرونده معنویت‌های جدید وارد کرد، بلکه باید بررسی شود ماهیت فکری این جریان‌ها چیست و براساس چه مبنایی در جهان جدید شکل گرفته‌اند.

رییس پژوهشکده حکمت اسلامی افزود: هر چند از ابتدا مخالفت‌هایی با عرفان‌واره‌ها صورت گرفت، اما مؤثر نبود و در جامعه‌ای که قرار بود به مدینه فاضله تبدیل شود و در آن ایده‌های اسلامی خداگرایانه رواج پیدا کند، بازار جن گیری و معنویت‌های کاذب فراگیر شد که باید علما و بزرگان حوزه در این باره تأمل کنند و برای مقابله با آن راهکار مناسب پیدا کنند.

وی با اشاره به این که معنویت‌های نوظهور از عقلانیت جدید غرب و خاکی شدن عقل بشر که از آسمان بریده می‌شود و می‌خواهد در زندگی معنا پیدا کند، پدید آمده‌اند، گفت: عرفان پدیده‌ای است که می‌خواهد انسان را به سمت خدا ببرد، اما معنویت‌های جدید پدیده‌های بی‌سابقه‌ای هستند که برای حل مشکلات بشر در چارچوب عالم خاکی بریده از آسمان تلاش می‌کنند.

حجت الاسلام قائمی نیا با بیان این که عنوان عرفان‌واره و معنویت‌واره از عرفان اسلامی گرفته شده و آن را برای معنویت‌های جدید نمی‌پسندم، ابراز داشت: امور خارق‌العاده و آنچه با علم و تفکر جدید همخوانی ندارد برای بشر جدید بسیار مهم و در دنیای جدید مانند امور راز گونه تله پاتی و امور روان‌شناختی قابل مشاهده است که البته با عقل جدید حل نمی‌شوند. وی اضافه کرد: بالاترین هدف عرفان اسلامی رسیدن به معرفت است و اساس خلقت بشر هم برای

رونمایی از دو کتاب امام موسی صدر

«حدیث سحر گاهان» و «برای زندگی»

دو کتاب «حدیث سحر گاهان» و «برای زندگی» در برگزیده مجموعه گفتارهای تفسیر قرآن امام موسی صدر، با حضور احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران طی مراسمی در بنیاد امام موسی صدر رونمایی شد.



احمد مسجدجامعی در این مراسم با اشاره به اهمیت خاندان صدر در تاریخ معاصر گفت: این خاندان از خانواده‌های تأثیرگذار در تاریخ تفکر ما و در دوران معاصر هستند که اهمیت‌شان فقط مربوط به شخصیت امام موسی صدر نمی‌شود. یعنی از بین چهره‌های این خاندان می‌توان از تألیف‌های مرحوم اسماعیل صدر درباره تشیع یاد کرد.

همچنین در این خاندان مرحوم آقا رضا صدر، تفسیر روانی دارد که همگی از قابلیت بحث و بررسی برخوردارند. وی افزود: مرحوم آقای صدر پدر این خاندان، محصول شرایطی بود که بر فرزندان او یعنی رضا و موسی تأثیر گذاشت. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ شمسی و در آن فضای پس از سقوط پهلوی اول، فضای بازی به وجود آمد و سؤالات مختلفی در جامعه طرح شد. در آن شرایط حوزه علوم دینی به مطالعات و سعه صدر نیاز داشت این سعه صدر در وجود امام موسی صدر یکباره ایجاد نشد بلکه هم برگرفته از پایگاه خانوادگی ایشان بود و هم شرایط ایجاد می‌کرد که اینگونه باشد.

وی گفت: در این سال‌ها که چهره‌هایی از حوزه‌های علمیه که حتی صاحب مقام هم بودند، تغییر لباس می‌دادند و وارد دانشگاه می‌شدند، امام موسی صدر از جمله کسانی بود که در حوزه باقی ماند و در معارف حوزوی شرایط ویژه‌ای کسب کرد. وی با بیان اینکه امثال امام موسی صدر، دکتر بهشتی و شهید آیت‌الله مطهری ورود به مسائل روز را دور از شأن خود نمی‌دانستند گفت: به عنوان مثال آیت‌الله مطهری یکی از کسانی بود که درباره موسیقی در ۴۰ شماره مجله زن روز آن زمان مطالبی حقیقی را طرح می‌کرد و یا از کسانی بود که با رفتن به سینما، فیلم «محلل» را دید و آن را نقد کرد.

مسجد جامعی گفت: آقای صدر و حتی آقارضا صدر محصول چنین فضای اجتماعی بودند. سعه صدر و اخلاق در خلأ حاصل نمی‌شود بلکه در ممارست و تقابل‌ها، تعامل به وجود می‌آید. ویژگی خاص امام موسی صدر این بود که توانست تفکرات و اندیشه‌های خود را اجرایی کند. مثلاً حس حمایت از محرومان را که در ذهن همه بزرگان آن زمان بود. توانست سازماندهی کند.

احمد مسجدجامعی با ذکر چند نکته مستند از نحوه تعامل امام موسی صدر با دیگران گفت: چندی پیش که به دیدار سیمین دانشور رفته بودم شنیدم که نوع رفت و آمد امام موسی صدر به گونه‌ای بود که ایشان در بین این گروه از افراد جامعه مقبولیت داشت. وی گفت: امام موسی صدر ادبیات کیهانی و جهانی داشت او به گونه‌ای از دین دفاع می‌کرد که همه گروه‌های فکری مورد مخاطب او قرار می‌گرفتند و ادبیات تفسیر او به گونه‌ای نبود که بخواهد عقایدش را تحمیل کند بلکه می‌خواست به زبان تعاملی مفاهیم قرآن را بیان کند و حتی احادیثی را که در تفسیر ذکر می‌کند به زبان فرقه‌ای تبدیل نشود.

مهدی فرخیان یکی از سه مترجم این دو کتاب به نمایندگی از علیرضا محمودی و مهدی موسوی‌نژاد درباره شیوه تفسیر امام موسی صدر گفت: منابعی چون «ذُر المنصور»، «المیزان» و تفسیر طنطاوی از منابعی است که امام موسی صدر برای تفسیر خود به آنها رجوع می‌کرد و روش او شبیه روش محمد عبده یعنی تفسیر قرآن به قرآن است. در پایان مراسم دکتر صادق طباطبایی با اشاره به تسلط امام موسی صدر به قرآن گفت: تسلط ایشان به قرآن نه به عنوان مجموعه‌ای از محفوظات بلکه به این صورت بود که متناسب با هر حادثه و واقعه‌ای نکاتی از قرآن را یادآور می‌شد. او علاوه بر قرآن به تمام کتب آسمانی انجیل و تورات تسلط داشت و نگاه ایشان بر این اساس بود که دین برای زندگی این جهان است. یعنی دین را در خدمت انسان می‌داند و نه انسان را در خدمت دین.

آیت‌الله سیستانی و خرافات

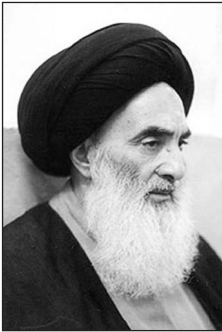
اینطور کرده است.

گفتم: ما خودمان در مقابل آن دسته از منبری‌ها و مداح‌هایی که مطالب سست و نادرست و خرافاتی را به خورد مردم می‌دهند قرار داریم و علیه آنها مقالات و مطالب زیادی نوشته‌ایم و انتظار ما از شما اینست که شما هم موضعگیری کنید و به ما در این زمینه کمک کنید، چون موضعگیری شما خیلی اثر دارد.

گفتند: اینها را می‌دانم و از قول من هم چیزهایی علیه اینها گفته‌اید و منتشر شده است، ولی من بنای دخالت در ایران را ندارم. ایران مهندسی شده است و من نباید دخالت کنم.

گفتم: منظورم این نیست که در مسائل حکومتی دخالت کنید، ولی در امور اعتقادی اظهارنظر شما مؤثر است. اعتقادات مردم در خطر است و برای حفظ دین و اعتقادات، ورود شما به این مسائل لازم است.

گفتند: شما که گفتید سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست، چطور می‌توانید اینها را از همدیگر جدا کنید؟ همان آقای بهشتی که شما با ایشان رفیق بودید، قانون اساسی را تدوین کرده و آن را طوری ترتیب داده که برای مرجع فقط مسائل غسل و طهارت باقی مانده و بقیه چیزها مربوط به حکومت است. بنابر این، ما



چه بگوئیم؟

این قسمت، به نظرم رسید برای آیت‌الله سیستانی بسیار مهم بود، زیرا دوباره به آن برگشتند و گفتند: وقتی در قانون اساسی برای مراجع فقط مسائل غسل و طهارت باقی گذاشته‌اند و بقیه چیزها مربوط به حکومت است، ما چه بگوئیم؟

گفتم: شما به آقای بهشتی کاری نداشته باشید و به عقیده خودتان عمل کنید.

گفتند: ما نمی‌توانیم در ایران دخالت کنیم، و قشت را هم نداریم. کار مرجعیت و عراق و بحرین و خواندن آنهمه مطالب، زیاد است و دیگر وقتی باقی نمی‌گذارد که به این چیزها برسیم.

گفتم: من به وظیفه شرعی خودم عمل کرده‌ام که گفتن این مطالب و درخواست اظهارنظر از شما بود، حالا شما می‌دانید و تکلیف شرعی خودتان.

این جمله را که گفتم، آیت‌الله سیستانی سکوت کردند و به نظرم رسید این مطلب برای ایشان قابل تأمل بود.

با اینکه هنوز مطالب زیادی برای گفتن داشتم، احساس کردم بیش از این سهم ندارم و باید خداحافظی کنم.

منبع روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۹۰/۱۰/۱

دکتر حداد عادل:

یک میلیون نسخه خطی فارسی در جهان، سند افتخار فرهنگ ایران است

اینها در طول تاریخ از بین رفته است. وی همچنین به تحقیق اخیر خود درباره تنوع کتاب در فرهنگ فارسی اشاره کرد و گفت من فقط بر اساس فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی می‌گویم که ۲۰۶ نوع کتاب در تاریخ ایران قابل تشخیص بوده و هست و این، نشانه‌ای از جدیت فرهنگ کتاب و کتابخوانی در ایران است.

اسلام، افق تازه‌ای در این حوزه پیش روی مردم ایران گشوده شد.

وی ادامه داد: اسلام دینی است که وقتی مخاطبی با آن روبرو می‌شود، نخستین عبارتی که با آن برخورد می‌کند کلمه کتاب است و ارتباط این دین با کتاب تا حدی است که می‌توانیم بگوییم اسلام و کتاب با یکدیگر همزاد هستند. معجزه دین ما هم کتاب بوده است و حتی در تاریخ آمده که در جنگ‌ها مسلمانان فدیه و خون‌بهای آزادی اسرا را تعلیم سواد از سوی آنها به مسلمانان در نظر گرفته بودند.

این ماجرا تا اندازه‌ای در میان مسلمانان با رشد مواجه شد که به فاصله دو قرن بعد از ظهور اسلام در سفر امام رضا (ع) از مدینه به مرو در شهر نیشابور ۲۴ هزار نفر حدیث روایت شده از ایشان را کتابت کرده‌اند.

به گفته دکتر حداد عادل رقم نسخ خطی در کتابخانه‌های مرجع ایران مانند کتابخانه آیت‌الله مرعشی یا آستان قدس رضوی یا مجلس شورای اسلامی کمتر از ۳۰ هزار نسخه نیست. جالب‌تر اینکه در کشور ترکیه تعداد نسخ خطی ثبت شده نزدیک به ۱۴ هزار جلد است. گفته می‌شود به همین تعداد نیز اثر ثبت نشده دارند و یک تخمین ساده حاکی از حضور ۱۰۰ هزار نسخه در این رابطه است که اگر با آثار خطی فارسی موجود در هند نیز بخواهیم آن‌ها را جمع کنیم و نیز آثار خطی فارسی در سایر کشورهای جهان به رقمی بیش از یک میلیون نسخه خطی فارسی در جهان می‌رسیم. این موضوع، بسیار افتخارآمیز است و باید اذعان کنیم که بیش از

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: تعداد نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های جهان با یک تخمین به بیش از یک میلیون نسخه می‌رسد که سندی افتخارآفرین برای فرهنگ ایرانی است.

غلامعلی حداد عادل در ادامه برگزاری سلسله سخنرانی‌های فرهنگی در دانشکده مطالعات جهان که با موضوع کتاب در فرهنگ ایران برگزار شد، کتاب را بارزترین شاخص فرهنگی در هر کشور عنوان کرد که به عنوان ابزاری برای ارزیابی سطح فرهنگ در آن جامعه به کار می‌رود.

وی گفت: هر تمدنی به آن اندازه که کتاب بیشتری تولید کرده باشد، می‌تواند ادعا کند که از سطح بالاتری برخوردار است. اگر مولانا در قرن‌ها پیش سروده است که «ای برادر تو همه اندیشه‌ای...» باید امروز بگوییم که کتاب است که همه اندیشه است.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در ادامه با اشاره به دوران تمدن قبل از اسلام در ایران افزود: آگاهی ما از این دوران اندک است، اما در همین اندازه نیز نشانه‌هایی وجود دارد که به علاقه وافر مردم به کتاب و کتابت دلالت می‌کند و حتی نقل قول‌هایی نیز در این باره، امروزه در اختیار ماست.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی افزود: اهتمام ایرانیان به ورود کلیله و دمنه به ایران و ترجمه آن و حتی الواح گلی که در حفاری‌های سال ۱۳۱۲ در تخت جمشید کشف شد، همگی نشان از اهتمام ایرانیان به امر کتاب دارد، ولی با این وجود با ظهور

مجموعه سایت‌های مرکز:

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی

www.iscq.ir

سایت استاد خسروشاهی

www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:

www.mosleheshargh.com

بعث

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائی‌نیش ممتاز)

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com